

چکیده مقاله‌های همایش بین‌المللی

صلح و امنیت در قفقاز جنوبی

دکتر الهه کولائی

دکتر فرهاد عطائی

دکتر شیوا علی زاده

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی - دانشگاه تهران

اسفند ۱۳۹۸



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- رئیس همایش: الهه کولائی
- دبیر علمی همایش: فرهاد عطائی
- دبیر اجرایی همایش: شیوا علی‌زاده
- هماهنگ کننده: جعفر خاشع، دانشجوی دوره دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و پیمان کاویانی‌فر، پژوهشگر مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی

اعضای کمیته علمی:

- دکتر بهرام امیراحمدیان، استاد مدعو دانشگاه تهران
- دکتر ماندانا تیشه‌بار، استادیار دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر جعفر حق‌پناه، عضو هیئت مدیره انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای
- دکتر علی صباغیان، استادیار مطالعات منطقه‌ای
- دکتر فرهاد عطائی، استاد دانشگاه تهران
- دکتر شیوا علی‌زاده، استادیار دانشگاه تهران و معاون مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی
- الهه کولائی، استاد دانشگاه تهران و رئیس مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی
- دکتر جهانگیر کریمی، دانشیار دانشگاه تهران
- دکتر حمیرا مشیرزاده، دانشیار دانشگاه تهران
- دکتر امیر هوشنگ میرکوشش، دبیر علمی انجمن مطالعات صلح ایران
- دکتر اکبر ولیزاده، استادیار دانشگاه تهران

اعضای خارجی کمیته علمی:

- پروفیسور گارنیک آساطوریان، رئیس انستیتو شرق‌شناسی دانشگاه اسلاونی (روسی-ارمنی ایران)
- پروفیسور گیلی آلسانیا، رئیس دانشگاه گرجستان
- دکتر الکساندر اسکندریان، رئیس مرکز مطالعات قفقاز ارمنستان
- پروفیسور الکساندر چولو خادزه، رئیس کرسی ایران‌شناسی و ادبیات فارسی دانشگاه گرجستان

موسسه‌های همکار

- انجمن علمی ایرانی مطالعات منطقه‌ای
- بنیاد مطالعات قفقاز
- انجمن علمی مطالعات صلح ایران

این همایش در تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۵ با کد اختصاصی ۷۲۹۴۴-۹۸۱۹۱ در
پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ثبت شده است و همه مقاله‌های چاپ شده
درجه علمی-پژوهشی دارند.

فهرست

- ۱ - مقدمه دبیر علمی همایش
- ۲ - گرجستان؛ عرصه رقابت‌های غرب و روسیه: ژیل‌احمدی و دکتر افشین زرگر
- ۳ - بررسی تطبیقی الگوی تعامل راهبردی ترکیه و ایران در قفقاز جنوبی از نظر اقتصادی-سیاسی: دکتر مرتضی ابراهیمی و دکتر قاسم اصولی
- ۴ - تأثیر حضور ترکیه در قفقاز جنوبی بر صلح و امنیت منطقه: سعیدبشارتی
- ۵ - پیامدها و محدودیت‌های سیاسی انتقال انرژی ایران به قفقاز جنوبی: مهدی پادروند و سجاد قیطاسی
- ۶ - سیاست قدرت‌های بزرگ در قفقاز جنوبی: نفوذ امنیتی ایالات متحد در آذربایجان: سعید خاوری نژاد
- ۷ - سیاست نگاه به شرق ترکیه و تأثیر آن بر روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان: دکتر سیدجلال دهقانی فیروزآبادی و مهدی خورسند
- ۸ - بررسی نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در امنیت قفقاز جنوبی: داود رضائی سکه‌روانی و دکتر محسن بیوک
- ۹ - تقابل سازمان پیمان امنیت جمعی با ناتو در قفقاز جنوبی: با تأکید بر ارمنستان و گرجستان: دکتر دانیال رضاپور و علی اسکندری نسب
- ۱۰ - سیاست خارجی ترکیه در برابر آمریکا: اکبر سیوندی پور و زیبا زمانی
- ۱۱ - چشم اندازهای پیش روی از سرگیری مصالحه ترکی-ارمنی در دولت‌های اردوغان و پاشینیان: حسین شهرابی فراهانی
- ۱۲ - هدف‌های راهبردی ایالات متحد در قفقاز جنوبی: عاطفه شهسواری و زهرا جاویدان
- ۱۳ - سیاست مذهبی دولت جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت منطقه قفقاز جنوبی: محمد کاظم شجاعی
- ۱۴ - جمهوری اسلامی ایران و بحران قره‌باغ، واقع بینی راهبردی یا ایدئولوژیک گرایی دینی: محمد صداقت
- ۱۵ - چرا بحران قره‌باغ پایان نمی‌یابد؟ عسگر صفری
- ۱۶ - تأثیر حمل و نقل بر تعاملات منطقه‌ای؛ مطالعه موردی قفقاز جنوبی: علی طائی
- ۱۷ - موضع ایران در مناقشه ارمنستان-جمهوری آذربایجان و قره‌باغ کوهستانی: دکتر سبحان طالبلی
- ۱۸ - سیاست‌های روسیه در حوزه جوانان و تأثیرهای آن بر شرایط قفقاز جنوبی: موسی عبداللهی
- ۱۹ - ضرورت شکل دهی الگوی بومی حل منازعه قره‌باغ از منظر منافع امنیتی ایران در قفقاز جنوبی: دکتر رحمت‌الله فلاح
- ۲۰ - جایگاه امنیتی اتحادیه اروپا در تقابل با تروریسم در قفقاز جنوبی؛ پیشینه و ابعاد: حسن قدیری و دکتر آرمین امینی

- ۲۱ - الگوی امنیتی روسیه در قفقاز جنوبی؛ سازوکارها، پیامدها و چشم‌انداز آینده: دکتر جهانگیر کرمی و رقیه کرامتی نیا.....
- ۲۲ - در قره باغ چه می‌گذرد؟ تحولاتی جدید در مناقشه‌های قدیمی: دکتر ولی کوزه‌گر کالجی.....
- ۲۳ - اولویت‌بندی تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران از قفقاز جنوبی و راهکارهای مقابله: دکتر فتح‌الله کلانتری و پیمان کاویانی فر.....
- ۲۴ - مجموعه امنیتی ایران و کشورهای قفقاز جنوبی: دکتر امیر هوشنگ میرکوشش و محمدزندى زیارانی
- ۲۵ - پیشران‌های قوام‌بخش سیاست تداوم‌وضع موجود روسیه در ارتباط با بحران‌های قفقاز جنوبی: رضا محمود اوغلی و دکتر قاسم اصولی.....
- ۲۶ - پیامد حضور اسرائیل در منطقه قفقاز جنوبی و تأثیر آن بر صلح منطقه: دکتر سید محسن میرحسینی و فاطمه قیمی بشنو.....
- ۲۷ - سازمان‌های منطقه‌ای ابزار روسیه برای برقراری ثبات و امنیت در قفقاز جنوبی: حامد مؤذنی
- ۲۸ - رقابت امنیتی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قفقاز جنوبی: زهرامعارف‌وند.....
- ۲۹ - رفتارشناسی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حوزه قفقاز جنوبی: دکتر فاطمه سادات معلومی و سعیدساطعی.....
- ۳۰ - کارکرد و نقش فرهنگ مشترک تاریخی در گسترش امنیت و صلح میان کشورهای قفقاز جنوبی (مطالعه موردی ایران، ارمنستان و جمهوری آذربایجان): دکتر امین نواختی مقدم و معین حافظی‌زاده
- ۳۱ - افزایش حضور و نفوذ چین در قفقاز جنوبی و فرصت‌ها و تهدیدهای آن برای ایران: دکتر رکسانانیک‌نمای و جعفر خاشع.....
- ۳۲ - پیشران‌های سیاست خارجی جمهوری آذربایجان و ارمنستان در مورد بحران قره‌باغ و سناریوهای احتمالی: دکتر امین نواختی مقدم و دکتر قاسم اصولی.....
- ۳۳ - تأثیر اختلاف‌های قومی و مذهبی در امنیت قفقاز جنوبی؛ مطالعه موردی سیاست‌های ترکیه: دکتر امین نواختی مقدم و سعیدطالبی.....
- ۳۴ - راهبرد امنیتی روسیه در منطقه قفقاز و تأثیر آن بر همکاری امنیتی منطقه‌ای با جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی مقابله با گروه‌های سلفی): دکتر امین نواختی مقدم و توحید پاسدار
- ۳۵ - روابط ارمنستان و ایران به عنوان عامل ثبات و امنیت در منطقه قفقاز جنوبی: الگوی گفت‌وگوی مسیحیت و اسلام: دکتر آهارون وارطانیان.....

مقدمه دبیر علمی همایش

از زمان فروپاشی اتحاد شوروی در آغاز دهه ۱۹۹۰ و کسب استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز، این منطقه گرفتار جنگ، منازعه‌های قومی، اختلاف‌های مرزی و رقابت بر سر منابع طبیعی بوده است. وقوع جنگ داخلی در تاجیکستان اولین نمونه این درگیریها در آسیای مرکزی بود. در قفقاز جنگ دو کشور نواستقلال جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر قره‌باغ آغاز شد و تا امروز به صورت یکی از بحران‌های حل نشده منطقه باقی مانده است. همچنین، درگیری نظامی میان روسیه و گرجستان بر سر آبخازیا و دیگر منازعات قومی و منطقه‌ای ادامه یافته است. وجود منابع نفت و گاز در حوزه دریای خزر، و چگونگی انتقال انرژی این حوزه به جهان خارج، به ویژه اروپا، نیز به موضوع تأمین صلح و امنیت منطقه قفقاز ضرورت بخشیده است.

از سویی دیگر، حضور قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی در قفقاز این وضعیت را پیچیده‌تر کرده است. منافع گاه متضاد این قدرت‌ها به تعمیق بحران دامن زده است. روسیه همچنان منطقه قفقاز را بخشی از خارج نزدیک خود تلقی می‌کند و در این‌گونه تعاملات حضور مستقیم دارد. ایران و ترکیه هر یک با توجه به سوابق تاریخی خود در این منطقه و اشتراک‌ها فرهنگی، قومی و زبانی و نیز با توجه به منافع ملی‌شان در منطقه نفوذ دارند. اتحادیه اروپا به عنوان همسایه قفقاز و نیز به دلیل نیازش به انرژی حوزه دریای خزر در این منطقه دخیل است و همراه با ایالات متحد آمریکا از طریق بخش دیپلماسی عمومی ناتو در منطقه فعال است.

برخی از کارشناسان منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بر این باورند که در تحولات یک دهه گذشته در آسیای مرکزی نشانه‌هایی از امنیتی‌زدایی دیده می‌شود. اما در منطقه قفقاز هنوز نمی‌توان صحبت از چنین نشانه‌هایی کرد. ایجاد صلح و امنیت پایدار در این منطقه یک ضرورت است که - دست کم در حال حاضر - دور از دسترس به نظر می‌رسد. اما همفکری، گفتگو، ایجاد زمینه تفاهم میان دولت‌های منطقه شرط تأمین صلح و امنیت در منطقه قفقاز است. این همایش گامی است در این راه. استادان، کارشناسان و دیپلمات‌های کشورهای منطقه در این همایش مشارکت داشته، نظرها و پیشنهادهای خود را برای رسیدن به منطقه‌ای آرام و با صلح و امنیت ارائه کرده‌اند. این مجموعه‌ای است از چکیده مقاله‌های ارائه شده در همایش.

دکتر فرهاد عطائی

دبیر علمی همایش

گرجستان؛ عرصه رقابت‌های غرب و روسیه

ژیلا احمدی^۱

دکترافشین زرگر^۲

آسیای مرکزی و قفقاز همواره صحنه رقابت قدرت‌های بزرگ در منطقه بوده است و بازیگران تلاش می‌کردند تا منافع سیاسی و اقتصادی خود را در این منطقه به دست آورند. در میان بازیگران فرامنطقه‌ای، آمریکا به‌عنوان یکی از قدرت‌های موجود در جهان بیشترین انگیزه و ظرفیت را برای حضور در منطقه دارد و رویدادهای بعد از یازده سپتامبر و تشکیل ائتلاف جهانی برای مبارزه با تروریسم، این فرصت را برای این کشور فراهم آورد تا در منطقه قفقاز جنوبی حضور عینی‌تری داشته باشد؛ بنابراین شاهد تشدید رقابت روسیه به‌عنوان بازیگر سنتی در قفقاز و آمریکا به‌عنوان ابرقدرت جهانی هستیم. گرجستان به‌عنوان یکی از کشورهای قفقاز جنوبی، از عرصه‌های تلافی این دو قدرت بزرگ بوده است. نمونه آن جنگ سال ۲۰۰۸ میان روسیه و گرجستان است که پیامدهای گوناگونی در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌دنبال داشت. در پی جنگ، روسیه که پس از فروپاشی اتحاد شوروی به کلی نقش خود را به‌عنوان نیروی چالش‌گر آمریکا در صحنه جهانی از دست داده بود، بار دیگر به‌عنوان مدعی جدی و بزرگ بر نقشه سیاسی جهان ظاهر شد. در مقابل آمریکا نیز به‌دنبال برتری‌جویی در این منطقه بوده است. این مقاله می‌کوشد تا با بررسی سیاست خارجی گرجستان، مبادلات نظامی، اقتصادی، سیاسی و تجاری این کشور با روسیه و آمریکا را بررسی کند و سیاست‌ها و مواضع کشورهای روسیه، آمریکا در جنگ اوت ۲۰۰۸ را بیان کند. همچنین به این موضوع می‌پردازد که کدام یک از این بازیگران بهتر توانستند سیاست‌هایشان را در منطقه عملی کنند و به هدف‌های خود برسند. این مقاله به‌دنبال پاسخگویی به این پرسش است که گرجستان به‌عنوان یکی از کشورهای حوزه قفقاز جنوبی، از سال ۲۰۰۸ به بعد و با توجه به حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این منطقه به‌سوی کدام قدرت متمایل بوده است؟ در پایان نیز به مواضع ایران در قبال جهت‌گیری‌های سیاست خارجی گرجستان اشاره خواهد شد.

کلیدواژه‌ها:

آمریکا- ایران- روسیه- قفقاز جنوبی- گرجستان

Jila.ahmadi1@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

zargar.a2003@gmail.com

۲. دکترای روابط بین‌الملل، عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی کرج

بررسی تطبیقی الگوی تعامل راهبردی ترکیه و ایران در قفقاز جنوبی از نظر اقتصادی - سیاسی

دکتر مرتضی ابراهیمی^۱

دکتر قاسم اصولی^۲

با فروپاشی اتحاد شوروی با خلأ قدرت نسبی به وجود آمده در منطقه قفقاز جنوبی، ایران و ترکیه از مهم‌ترین کنشگران اثرگذار بر ترتیبات سیاسی و امنیتی قفقاز جنوبی و چشم‌انداز تحولات آینده این منطقه به شمار می‌آیند. برای ایران مؤلفه‌های امنیتی و برای ترکیه مؤلفه‌های اقتصادی، پیشران‌های اصلی جهت‌دهنده به رفتار این کشورها در منطقه هستند که به‌کارگیری برابرگرایی راهبردی برای ایران و اولویت‌دهی راهبردی برای ترکیه را منجر شده است. این پرسش در مقاله مطرح است که چگونه ماهیت این الگوهای تعامل راهبردی، به منافع اقتصادی سیاسی ایران و ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی شکل داده است. به نظر می‌رسد، الگوی تعامل اولویت‌دهی راهبردی ترکیه در مقایسه با برابرطلبی راهبردی ایران توانسته است در تحقق هدف‌های اقتصاد سیاسی و امنیتی مطلوب‌تر عمل کند. در این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی کوشش شده است نخست، به چیستی اولویت‌های راهبردی ایران و ترکیه در منطقه اشاره شود و در ادامه پیامدهای اقتصاد سیاسی و امنیتی هر یک از این الگوها برای این دو کشور در سطح منطقه نشان داده شود.

کلیدواژه‌ها:

امنیت اقتصادی - ایران، ترکیه - روابط راهبردی - قفقاز جنوبی

تأثیر حضور ترکیه در قفقاز جنوبی بر صلح و امنیت منطقه

سعید بشارتی^۱

قفقاز جنوبی برای ترکیه در دوره‌های مختلف اهمیت راهبردی داشته است. از دوره عثمانی تاکنون سیاست‌مداران این کشور همواره در فرآیندهای قفقاز جنوبی رویکرد مداخله‌جویانه‌ای داشته‌اند. در دوره کنونی از اولویت‌های دولت ترکیه گسترش روابط اقتصادی خود با کشورهای قفقاز جنوبی، حتی ارمنستان است. در ابعاد سیاسی و راهبردی متأثر از سیاست‌های کلان خود که پیگیری برنامه‌های پان‌ترک‌گرایی است، ترکیه سعی در حمایت از جمهوری آذربایجان و زیر فشار قراردادن ارمنستان در ابعاد مختلف دارد. با توجه به اینکه ترکیه از یک‌سو در مناقشه قره‌باغ از جمهوری آذربایجان حمایت می‌کند، تقویت حضور این کشور در قفقاز جنوبی منجر به تشدید مناقشات و به‌هم خوردن صلح و امنیت منطقه خواهد شد. ترکیه با استفاده از بحران قره‌باغ و تحریک احساسات مردمی در جمهوری آذربایجان می‌خواهد تا نفوذ خود در منطقه را افزایش دهد. حساسیت افکار عمومی به بحران قره‌باغ و استمرار آن به‌عنوان یک بحران، سبب شده است تا ترکیه بتواند با استفاده از این بحران نفوذ و حضور خود را در جمهوری آذربایجان مشروع نشان دهد و آن را تقویت کند. در این مقاله می‌کوشیم به این پرسش که «کنشگری ترکیه در قفقاز جنوبی چه تأثیری بر صلح و امنیت این منطقه دارد؟» با طرح فرضیه «تقویت حضور و نفوذ ترکیه در قفقاز جنوبی با توجه به سیاست جانبدارانه این کشور می‌تواند تنش‌های منطقه را بیش از پیش تشدید و صلح و امنیت منطقه را تهدید کند» پاسخ دهیم.

کلیدواژه‌ها:

ترکیه - پان‌ترک‌گرایی - قفقاز جنوبی - مناقشه قره‌باغ

پیامدها و محدودیت‌های سیاسی انتقال انرژی ایران به قفقاز جنوبی

مهدی پادروند^۱

سجاد قیطاسی^۲

منطقه قفقاز جنوبی از مهم‌ترین مناطقی است که جمهوری اسلامی ایران در پی گسترش نفوذ در آن است. در نتیجه برای هرگونه نفوذ و افزایش همکاری ابزارهایی نیاز است. انرژی و موقعیت جغرافیایی تهران برای کشورهای این منطقه سبب شده است که خود این دولت‌ها از همکاری با تهران استقبال کنند. اما با توجه به اتفاق نظر دولت‌های این منطقه و تهران به منظور برقراری ارتباط در ابعاد مختلف، ارسال انرژی ایران به این منطقه با محدودیت‌هایی روبه‌رو شده است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تلاش می‌کند که محدودیت‌های مذکور را شناسایی کند. با این هدف، این پرسش مطرح می‌شود که مهم‌ترین محدودیت‌ها و پیامدهای سیاسی انتقال انرژی ایران به قفقاز جنوبی چه مؤلفه‌هایی هستند؟ این فرضیه مطرح می‌شود که رقبای منطقه‌ای مانند ترکیه و روسیه و فرامنطقه‌ای مانند آمریکا و کشورهای اروپایی با توجه به تنش‌هایی که با تهران دارند با وجود داشتن ظرفیت‌های مناسب برای کشورهای قفقاز، تلاش می‌کنند که از میزان نفوذ ایران در این منطقه بکاهند.

کلیدواژه‌ها:

انتقال انرژی، ایران، قفقاز جنوبی - کشورهای فرامنطقه‌ای - کشورهای منطقه - محدودیت‌های سیاسی

سیاست قدرتهای بزرگ در قفقاز جنوبی: نفوذ امنیتی ایالات متحد در جمهوری آذربایجان

سعید خاوری نژاد^۱

حضور قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌ویژه ایالات متحد آمریکا در قفقاز جنوبی به‌عنوان یکی از مناطق مهم و راهبردی جهان، ارتباط نزدیکی با ظرفیت‌های انرژی منطقه به‌ویژه منابع هیدروکربن و خطوط لوله انتقال نفت و گاز به قاره اروپا دارد. از این رو، نفوذ قدرت‌ها در قالب حضور پررنگ و برقراری سطوح بالای روابط سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی با کشورهای منطقه، به‌ویژه جمهوری آذربایجان، مورد توجه پژوهشگران و کارشناسان سیاسی قرار گرفته و آثار و پیامدهای مهمی برای منطقه داشته است. هدف این نوشتار، شناسایی مهم‌ترین جنبه‌های روابط نظامی - امنیتی ایالات متحد و جمهوری آذربایجان است. و بدین منظور برجسته‌ترین حوزه‌های روابط میان این دو کشور در زمینه قراردادهای نظامی و همکاری‌های امنیتی واکاوی می‌شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌ترین جنبه‌های روابط ایالات متحد و جمهوری آذربایجان در حوزه نظامی - امنیتی عبارت‌اند: از کمک‌های مالی، تجهیز ارتش، آموزش کارکنان نظامی و مجری قانون آذری، انجام مانورها و گشت‌های مشترک و همچنین تأمین امنیت زیرساخت‌های انرژی توسط نهادهای نظامی - امنیتی ایالات متحد. در نتیجه می‌توان چنین تحلیل کرد که مسائل مرتبط با تهدیدهای امنیتی سخت شامل حفاظت از زیرساخت‌های انرژی در پرتو اختلاف‌های مرزی و تعیین‌نشدن رژیم حقوقی دریای خزر و درگیری با ارمنستان در منطقه ناگورنو - قره‌باغ که تصور از تهدید مقام‌های جمهوری آذربایجان را تشدید می‌کند، از مهم‌ترین مبانی گسترش حضور و تقویت نفوذ ایالات متحد در این کشور است که در نتیجه آن، نفوذ سنتی روسیه در این کشور کاهش یافته است.

کلیدواژه‌ها:

امنیت - ایالات متحد - جمهوری آذربایجان - قدرت‌های بزرگ - قفقاز جنوبی - نفوذ

سیاست نگاه به شرق ترکیه و تاثیر آن بر روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

سیدجلال دهقانی فیروزآبادی^۱

مهدی خورسند^۲

کودتای سال ۲۰۱۶ ترکیه سبب شد تا دولت این کشور جریان فتح‌الله گولن، مخالفان خارج‌نشین این کشور را عامل اصلی کودتا معرفی کند و ترک‌ها از آمریکا خواستند وی را به آنکارا تحویل دهد. آمریکا با دلایل مختلف از این کار سر باز زد. اتحادیه اروپا نیز ترکیه را به دلیل برخورد با کودتاپیان و موضوع حقوق بشر، زیر فشار قرار داد و پرونده بررسی عضویت این کشور در اتحادیه اروپا را به حالت تعلیق درآورد. این رفتار غرب سبب شد تا دولت مردان ترکیه اعلام کنند که از این پس سیاست نگاه به شرق را دنبال خواهند کرد. در عملیاتی شدن سیاست نگاه به شرق ترکیه، دو کشور آذربایجان و ایران به‌عنوان همسایگان شرقی این کشور، نقش اساسی ایفا می‌کنند. رونق روابط تجاری و سیاسی و ایجاد مرزهای امن در میان این سه کشور، ترک‌ها را با موقعیت ویژه‌ای برای ارتباط با شرق رو به‌رو می‌کند. در این راه، ترک‌ها که نفوذ زیادی بر دولت مردان جمهوری آذربایجان دارند، این کشور را به بهبود روابط با جمهوری اسلامی ایران ترغیب می‌کنند. این مقاله بر این موضوع تأکید دارد که سیاست نگاه به شرق ترکیه، سبب بهبود روابط تجاری و سیاسی جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران می‌شود.

کلیدواژه‌ها:

اروپا- ایران- آمریکا- ترکیه- جمهوری آذربایجان- سیاست نگاه به شرق- کودتا

بررسی نقش قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در امنیت قفقاز جنوبی

داود رضائی سکه روانی^۱

محسن بیوک^۲

دگرگونی‌های ژئوپلیتیکی پایان جنگ سرد که ناشی از ضعف و ورشکستگی قدرت حاکم بر قلمرو دریایی بود با تغییراتی که در نقشه سیاسی جهان ایجاد کرد؛ یکبار دیگر اوراسیای مرکزی را در ثقل سیاست‌های قلمروخواهانه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار داد. بنابراین شکل‌گیری کشورهای جدید که با ضعف و کاستی در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی به ارث رسیده در تثبیت استقلال سیاسی خود با مشکل مواجه بودند، به همراه نبود قدرت مسلط مرکزی برای مدیریت سیاسی فضای ملتهب منطقه، عرصه کنشگری دوباره بازیگران سنتی و جدید را در این فضای جغرافیایی فراهم کرد. مناقشه و تعارض‌های مستمر کشورهای قفقاز جنوبی و نبود چشم‌انداز مناسب مبنی بر شکل‌گیری صلح یا روابط پایدار دو یا چندجانبه میان این کشورها که به‌نظر می‌رسد به‌نوعی متأثر از موقعیت جغرافیایی مستقل و بکر منطقه در میان بازیگران پیرامونی است این پژوهش را به این سمت هدایت کرد تا به روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش باشد که بازیگران عرصه قفقاز جنوبی (منطقه‌ای-فرامنطقه‌ای) چه نقشی بر روند شکل‌گیری مسائل امنیتی این منطقه داشته‌اند؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش و یافتن عوامل و چرایی تحقق نیافتن صلح و تداوم ناامنی‌ها در منطقه، نقش بازیگران سنتی منطقه‌ای (ایران، ترکیه و روسیه) و فرامنطقه‌ای (اتحادیه اروپا و آمریکا) که در قالب برنامه‌های متعدد بعد از سال ۱۹۹۱ به دنبال تأثیرگذاری بر مسائل منطقه بوده‌اند، بررسی شده است. نتایج اولیه نشان می‌دهد که رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی این بازیگران بخشی از عوامل ناامنی‌ها و تحقق نیافتن صلح است که هم اکنون در فضای قفقاز جنوبی جلوه‌گری می‌کند و با توجه به روند رقابت‌ها، احتمالاً پایدار هم خواهد ماند.

کلیدواژه‌ها:

اوراسیای مرکزی- امنیت- بازیگران فرامنطقه‌ای- بازیگران منطقه‌ای- صلح- قفقاز جنوبی

d.rezaei77@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس و عضو هیئت علمی دانشگاه خاتم‌الانبیاء (ص)

۲. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خاتم‌الانبیاء (ص)

تقابل سازمان پیمان امنیت جمعی با ناتو در قفقاز جنوبی: با تأکید بر ارمنستان و گرجستان

دانیال رضاپور^۱

علی اسکندری نسب^۲

چالش‌های امنیتی موجود در قفقاز جنوبی سبب شده است تا دو کشور ارمنستان و گرجستان پیوسته به دنبال ایجاد یا پیوستن به ساختارهایی برآیند تا امنیت آن‌ها را تأمین کند. در این میان ناتو و سازمان پیمان امنیت جمعی بیش از دیگر سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جهت جذب و همکاری امنیتی با این کشورها موفق بوده‌اند. پس از فروپاشی اتحاد شوروی و انحلال پیمان ورشو، ناتو به بازنگری در نقش و کارکرد خود پرداخت و برنامه گسترش به شرق را در اولویت قرار داد. در ابتدای دهه ۱۹۹۰ گرجستان رغبت فراوانی برای پیوستن به ناتو از خود نشان داد؛ اما اینکه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فعالیت‌های ناتو به‌طور جدی تحت تأثیر نقش برجسته آمریکا قرار گرفت و انجام اصلاحات سیاسی - اقتصادی و اجتماعی در این منطقه در چارچوب منافع آمریکا قرار گرفت، حساسیت نخبگان سیاسی ارمنستان را برانگیخت و این کشور به قدرت سازمان‌های منطقه‌ای دیگر مانند پیمان امنیت جمعی تمایل نشان داد. پرسش اصلی مقاله بر این موضوع تأکید دارد که: راهبرد گرجستان و ارمنستان در برابر ناتو و سازمان پیمان امنیت جمعی چه ویژگی‌های کنش تاکتیکی و راهبردی دارد؟ فرضیه مقاله به این موضوع اشاره دارد که گرجستان و ارمنستان در انجام مأموریت‌های خود ناچار هستند تا از سازکارهای مربوط به اقدام‌های اطمینان‌ساز، ارتقای قابلیت‌ها و پاسخ‌گویی برای مقابله با تهدیدهای سازمان‌های ناتو و پیمان امنیت جمعی استفاده کنند. این مقاله نشان خواهد داد که درک تهدیدها بر ترجیح‌های امنیتی تشکیل اتحادها در سطح ملی این دو کشور تأثیرگذار است و برای تأیید این موضوع دو گزاره ارائه می‌شود: اول، گروهی از ارمنی‌ها که جمهوری آذربایجان و ترکیه را تهدید اصلی برای دولتشان می‌دانند، تمایل به عضویت در سازمان پیمان امنیت جمعی به رهبری روسیه را دارند. دوم، گرجی‌هایی که تهدید اصلی برای دولت خود را از سوی روسیه می‌دانند و خواهان عضویت در ناتو هستند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام می‌شود و ابزار جمع‌آوری داده‌ها نیز به‌وسیله فیش‌برداری بوده است.

کلیدواژه‌ها:

قفقاز جنوبی - ناتو - سازمان پیمان امنیت جمعی - گرجستان - ارمنستان

سیاست خارجی ترکیه در برابر آمریکا

اکبر سیوندی پور^۱

زیبا زمانی^۲

این مقاله سیاست خارجی ترکیه و آمریکا را تحلیل می‌کند. آمریکا انتظار دارد که با عملی شدن این مشارکت راهبردی، قدرت مانور خود را در مناطق پیرامونی ترکیه افزایش دهد. ترکیه بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، سیاست خارجی فعال منطقه‌ای را در کنار سیاست سنتی آمریکایی خود در پیش گرفت و نشان داد که خواستار ایفای نقش فعال‌تری در منطقه است؛ اما همواره به دنبال منافع ملی خود است که به موازات منافع کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا قرار می‌گیرد. پرسش این نوشتار این است که سیاست خارجی ترکیه در زمان حزب عدالت و توسعه با کدام دیدگاه سازگاری بیشتری دارد. بررسی‌های این مقاله نشان خواهد داد که با توجه به رفتارهای سیاسی ترکیه و به ویژه رفتارهای شخصی اردوغان در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای در زمان حزب عدالت و توسعه می‌توان سازه‌نگاری را مناسب‌ترین چارچوب نظری مطالعه سیاست خارجی این کشور در نظر گرفت. هر چند ترکیه برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای تلاش می‌کند.

کلیدواژه‌ها:

ترکیه - آمریکا - سیاست خارجی - خاورمیانه

چشم‌اندازهای پیش‌روی از سرگیری مصالحه ترکی-ارمنی در دولت‌های اردوغان و پاشینیان

حسین شهرابی فراهانی^۱

ترکیه در ایام بعد از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، گام‌هایی را برای تضمین دادن به جامعه ارمنی برای بازاندیشی درباره مسئله کشتار ارمنه توسط عثمانی در سال ۱۹۱۵ با هدف مصالحه با طرف ارمنی برداشته است. برخی از این گام‌ها عبارت‌اند از تأسیس بنیاد مورخان ترک-ارمنی در وین و کمیسیون مشترک مورخان که برخی آثار مکتوب نیز از این راه در موضوع کشتار ارمنی به صورت مشترک با همکاری تاریخ‌پژوهان ترک و ارمنی منتشر شده است. بی‌شک اعضای دو پروتکل ایجاد روابط دیپلماتیک بین جمهوری ترکیه و جمهوری ارمنستان در سال ۲۰۰۹ در زوریخ نقطه عطفی در همکاری مشترک دو طرف برای برقراری روابط رسمی سیاسی بوده است. اما موانع اساسی بر این اراده‌های سیاسی سایه افکند و کار مصالحه در مجلس دو طرف به بن‌بست رسید. با روی کار آمدن دولت غرب‌گرای نیکول پاشینیان و الزاماتی که برای تحقق وعده‌هایش به مردم ارمنستان با آن‌ها رو به رو بود، گمانه‌زنی‌هایی درباره احتمال از سرگیری تلاش‌ها برای مصالحه ترکی-ارمنی در محافل سیاسی و دیپلماتیک صورت گرفت. گمانه‌زنی‌هایی که با بروز برخی شواهد دلیل بر اراده دو طرف برای استفاده از تحول سیاسی صورت گرفته در ارمنستان و به‌ویژه مواضعی که پاشینیان در مورد حل مسئله قره‌باغ در دوره پیش از به قدرت رسیدن گرفته بود، جنبه جدی‌تری یافت. هر چند همچنان موانع اصلی دو طرف برای ایجاد روابط رسمی پابرجا بوده و هست. از سوی ارمنی‌ها مسئله کشتار ارمنه توسط عثمانی و مسئولیتی که ارمنی‌ها متوجه دولت ترکیه می‌دانند و موضع جدی دیاسپورا و لابی ارمنی در مورد آن و از سوی ترکیه، گره خوردن روابط با ارمنستان با پیش‌شرط دولت ترکیه مبنی بر حل مسئله قره‌باغ و جانبداری ترکیه از جمهوری آذربایجان، دیوارهای بلندی هستند که عبور از آن را برای هر یک از دو طرف، حتی افرادی مانند اردوغان و پاشینیان دشوار ساخته‌اند. در این میان پیش‌رانی که در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ مسئله مصالحه ترکی-ارمنی را به جلو برد، حمایت و فشار دولت اوباما به دو طرف بود، پیش‌رانی که در دولت ترامپ شواهدی مبنی بر وجود آن مشاهده نشده است. در این مقاله و با توجه به نیاز ارمنستان برای خروج از بن‌بست و محاصره اقتصادی و نگرستن آن به مرزهایش با ترکیه همانند برون‌رفتی راهبردی از این شرایط و تمایل دولت ترکیه برای عادی‌سازی روابط با ارمنستان و افزایش عمق نفوذ و کنش‌گری خود در منطقه قفقاز، به این پرسش پاسخ می‌دهیم که آیا در چشم‌انداز پیش‌روی دولت‌های اردوغان و پاشینیان، تصویری مبنی بر امکان از سرگیری مصالحه ترکی-ارمنی وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش مؤلفه لابی ترکی و ارمنی در ایالات متحد و سطح جهان، اراده دولت بعدی آمریکا بر حمایت یا بی‌تفاوتی در برابر این طرح، موضع و کنش‌گری سمن‌های آمریکایی و غربی در منطقه قفقاز جنوبی و به‌ویژه ارمنستان در این مورد و تداوم داشتن یا تداوم‌نداشتن تحریم‌های غیرمنصفانه ایالات متحد علیه جمهوری اسلامی ایران و پویایی‌های موجود در بحران قره‌باغ و روابط مسکو-باکو و مسکو-ایروان و سمت و سوی روابط تهران-ایروان، به‌منزله عنصرهای مؤثر در محقق شدن یا تحقق‌نشدن اراده موجود در دولت‌های پاشینیان و اردوغان برای مصالحه، معرفی و بررسی شده‌اند.

کلید واژه‌ها:

ارمنستان-ترکیه-لابی ارمنی-لابی ترکی-مصالحه ترکی-ارمنی

هدف‌های راهبردی ایالات متحد در قفقاز جنوبی

عاطفه شهسواری^۱

زهره جاویدان^۲

منطقه قفقاز از نظر ژئوپلیتیکی همواره اهمیت خاصی داشته است. فروپاشی اتحاد شوروی و تغییرهای ژئوپلیتیکی در قفقاز، سبب افزایش اهمیت این منطقه از نظر ژئوپلیتیکی شد. همچنین این موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی سبب حضور قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و از جمله ایالات متحد در این منطقه شد. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، آمریکا خود را تنها قدرت هژمون در نظام بین‌الملل می‌دید. بنابراین آمریکا منطقه قفقاز را عرصه منافع راهبردی خود برآورد می‌کند و به دنبال آن است که در این منطقه بدون رقیب حضور داشته باشد و از این راه هژمونی خود را تضمین کند. در نتیجه حضور آمریکا در این منطقه به‌عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای به اهمیت این منطقه بیش از پیش افزوده است. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به این پرسش پاسخ می‌دهیم که آمریکا در قفقاز جنوبی چه هدف‌های راهبردی را دنبال می‌کند؟ در پاسخ این فرضیه مطرح شده است که آمریکا می‌خواهد با حضور در قفقاز جنوبی سبب مهار قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران، و همچنین مهار روسیه به‌عنوان یک قدرت بین‌المللی و تأمین منافع خود از جمله منابع انرژی، گسترش حضور سیاسی و نظامی و تبدیل شدن به هژمون برتر در این منطقه شود.

کلیدواژه‌ها:

آمریکا- انرژی- ایران- راهبرد- روسیه- قفقاز جنوبی

سیاست مذهبی دولت جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت منطقه قفقاز جنوبی

محمد کاظم شجاعی^۱

در سال‌های پس از استقلال، جمهوری آذربایجان، مانند دیگر کشورهای مسلمان به‌جا مانده از اتحاد شوروی با در پیش گرفتن سیاست جدایی دین از سیاست تلاش کرد تا مانع تقویت جریان‌های اسلام‌گرا در کشور خود شود. جمهوری آذربایجان به‌علت داشتن مرزهای مشترک با جمهوری اسلامی ایران و نیز داشتن جمعیت شیعه بیش از دیگران خود را در معرض نفوذ مدل حکومت شیعی مستقر در همسایه جنوبی خود می‌دید. در همین زمینه، به‌ویژه در دوران حکومت الهام علی‌اف تلاش‌های زیادی برای جلوگیری از نفوذ اسلام شیعی در جمهوری آذربایجان صورت گرفت. سیاست جمهوری آذربایجان در برخورد با اسلام‌گرایی مدل جمهوری اسلامی ایران، از دو سطح تشکیل شده است. نخست برخورد جدی با عناصر شیعی و بازکردن فضا برای حضور جریان‌های غیر شیعی اسلام و دوم تلاش برای تقویت رابطه با رقبای دشمنان منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه عربستان سعودی، ایالات متحده آمریکا و اسرائیل. در نتیجه فضا برای تبلیغات و حضور جریان‌های اسلامی سنی مورد حمایت عربستان سعودی فراهم شد. با وقوع جنگ در سوریه و عراق و برآمدن داعش در سرزمین‌های اسلامی، حدود ۱۵۰۰ نفر از شهروندان آذربایجان به نیروهای داعش پیوستند که به نسبت جمعیت این کشور آمار شایان توجهی است. این رویداد در کنار شواهد متعدد دیگری حاکی از تقویت جریان‌های سلفی و وهابی در بین جمعیت جوان جمهوری آذربایجان است که به‌طور کامل در تضاد با هدف‌های سیاست‌مداران این کشور قرار دارد و می‌تواند در آینده چالش‌های بزرگی را نه تنها برای جمهوری آذربایجان بلکه برای کل منطقه قفقاز جنوبی و حتی روسیه، ترکیه و جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند. در این مقاله ضمن بررسی سیاست‌های جمهوری آذربایجان در برخورد با جریان‌های مذهبی، چالش‌های احتمالی ناشی از این سیاست‌ها را در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها:

اسلام سیاسی - امنیت - تشیع - جمهوری آذربایجان - داعش - قفقاز جنوبی - وهابیت

جمهوری اسلامی ایران و بحران قره‌باغ، واقع بینی راهبردی یا ایدئولوژیک‌گرایی دینی

محمد صداقت^۱

مناقشه قره‌باغ کوهستانی از سال ۱۹۸۸ با حرکت‌های جدایی‌طلبانه ارمنه این منطقه آغاز شد و در دهه ۱۹۹۰ به درگیری‌های خونین میان نیروهای ارمنستان و ارمنه قره‌باغ و نیروهای جمهوری آذربایجان منجر شد. در این مناقشه جمهوری آذربایجان کنترل ۲۰ درصد از زمین‌های خود در منطقه قره‌باغ را از دست داد. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان همسایه دو طرف درگیر و همچنین به‌دلیل داشتن پیشینه تاریخی با دو کشور از ابتدای بحران قره‌باغ به‌شکلی درگیر این منازعه شد. وجود اکثریت شیعی در جمهوری آذربایجان و پیوندهای مذهبی آن با ایران در کنار حضور گسترده آذری زبان‌ها در این کشور و سیاست حمایتی تهران از مسلمانان جهان این تصور را ایجاد می‌کرد که ایران در این مناقشه جانب باکو را بگیرد. برخلاف این پیش‌بینی، تهران ضمن تأکید بر ضرورت حل مسالمت‌آمیز این بحران، برای میانجیگری میان باکو و ایروان تلاش کرد و حتی در دوره‌ای از سوی جمهوری آذربایجان متهم به حمایت از ایروان شد. از این رو، این پرسش در این مقاله مطرح می‌شود که رویکرد اصلی جمهوری اسلامی ایران در این بحران بر چه اصلی استوار است؟ منافع ملی یا اصول دینی و مذهبی چیست؟ در پاسخ به این پرسش این فرضیه مطرح می‌شود که از ابتدای بحران قره‌باغ سیاست خارجی تهران در این زمینه تقدم منافع ملی بر رویکردهای ایدئولوژیک و دینی با توجه به این چهار عامل بوده است: حضور اقلیت ارمنی در ایران، گرایش‌های پان‌ترکی و قوم‌گرایی آذری که تهدیدی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است، گرایش جمهوری آذربایجان به غرب و اسرائیل، هم‌سویی تهران با منافع روسیه در قفقاز جنوبی.

کلیدواژه‌ها:

ارمنستان - جمهوری اسلامی ایران - جمهوری آذربایجان - قره‌باغ

چرا بحران قره‌باغ پایان نمی‌یابد؟

عسگر صفری^۱

از سال ۱۹۸۸ به بعد، اختلاف نظر در مورد وضعیت قره‌باغ، منطقه‌ای کوچک در کوه‌های قفقاز، به خشونت و سرانجام جنگ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان منجر شد. با وجود تلاش کشورها و نهادهای بین‌المللی اختلاف بر سر این حوزه جغرافیایی هنوز پایان نیافته است و وضعیت کنونی در قره‌باغ مبتنی بر موافقت‌نامه آتش‌بسی است که در سال ۱۹۹۴ بین دو طرف امضا شد. با توجه به پیامدهای این اختلاف بر امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی در ادبیات پژوهشی مربوط به حوزه آسیای مرکزی و قفقاز از این اختلاف بیشتر به‌عنوان بحران قره‌باغ یاد می‌شود. به این معنی که این اختلاف در کوتاه‌مدت در حالت ثبات قرار دارد؛ اما در بلندمدت هر آن احتمال دارد ساختار امنیتی منطقه را دگرگون کند. با توجه به این موضوع، این پژوهش تلاش دارد عوامل مؤثر در حل‌نشدن بحران قره‌باغ را تجزیه و تحلیل کند. در این راستا، تلاش می‌کنیم از نظریه‌های مربوط به بحران برای بررسی بهتر موضوع استفاده کنیم. یکی از چارچوب‌های نظری کارآمد در این حوزه نظریه بحران مایکل برچر است. ویژگی مهم نظریه بحران مایکل برچر توجه آن به سطح تحلیل خرد و کلان در شکل‌گیری و تداوم بحران است. به‌بیانی دیگر، در تشریح شکل‌گیری و تداوم بحران، هم بازیگران دولتی (سطح تحلیل خرد) و هم عوامل محیطی و بین‌المللی را مورد نظر قرار می‌دهد. بحران قره‌باغ نیز بحرانی است که در آن می‌توان نقش بازیگران دولتی و عوامل بین‌المللی را دید. بر این اساس، نظریه بحران مایکل برچر برای تشریح و تداوم بحران قره‌باغ، قابلیت بهتری دارد. با کاربست این چارچوب نظری، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که وجود چه ویژگی‌ها و عواملی سبب شده است بحران قره‌باغ سرانجامی نداشته باشد؟ به‌کارگیری مدل مفهومی نظریه مایکل برچر و تجزیه و تحلیل روند و تداوم بحران قره‌باغ نشان داد که چهار عامل را می‌توان در به سرانجام نرسیدن این بحران مهم دانست که عبارت‌اند از: الف) تعدد بازیگران درگیر در بحران؛ ب) فعالیت بالای نظامی قدرت‌های بزرگ؛ پ) موقعیت راهبردی قفقاز جنوبی و قره‌باغ؛ ت) تضاد شدید فرهنگی و مذهبی بین آذری‌ها و ارمنه. روش پژوهش در این مطالعه توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها:

بحران قره‌باغ - تضاد فرهنگی - فعالیت نظامی - قدرت‌های بزرگ - موقعیت راهبردی

تأثیر حمل و نقل بر تعاملات منطقه‌ای؛ مطالعه موردی قفقاز جنوبی

علی طائی^۱

اعلام طرح «یک کمربند، یک راه» توسط رئیس‌جمهور چین و انتشار نقشه‌های اجرایی آن با هدف اتصال چین به اروپا و سرمایه‌گذاری خارجی چین در این طرح و گمانه‌زنی‌ها دربارهٔ مناطق مورد نظر چین برای سرمایه‌گذاری و حضور در این طرح اقتصادی بین‌المللی واکتس‌های بسیاری را در میان کشورهایی که در مسیر این حمل و نقل بین‌المللی قرار می‌گرفتند، در پی داشت. یکی از این مسیرها به نام راهروی میانی از قفقاز جنوبی عبور می‌کند و می‌تواند سرمنشأ سرمایه‌گذاری چین در این منطقه باشد. با توجه به آنکه وجود امنیت و تعامل بین کشورهای مسیر حمل و نقل از اصول اولیهٔ سرمایه‌گذاری و قرار گرفتن در این طرح است؛ این طرح به صورت پیش فرض به ایجاد همکاری بین کشورهای مسیر منجر خواهد شد. این طرح زمینهٔ نفوذ همه‌جانبهٔ چین را در هر سه جنبهٔ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در این کشورها در پی خواهد داشت. با وجود این، برای هر یک از کشورهای عضو قرار گرفتن در این مسیر حمل و نقلی، فرصتی برای بهره‌مندی از سرمایه‌گذاری چینی در زیرساخت‌های این کشور و به دنبال آن استفاده از مزیت‌های حضور در این چرخهٔ کالای بین‌المللی است. ایجاد شریان‌های انرژی و مسیرهای حمل و نقلی، منافع اقتصادی مشترک را نیز به همراه دارد و این منافع اقتصادی مشترک عاملی برای ایجاد همکاری و صلح در منطقه خواهند بود.

کلیدواژه‌ها:

طرح «یک کمربند، یک راه» - چین - قفقاز جنوبی - حمل و نقل بین‌المللی

موضع ایران در مناقشه ارمنستان - جمهوری آذربایجان و قره باغ کوهستانی

سیحان طالبلی^۱

تمامی اسناد تاریخی ثابت می‌کند که قره‌باغ کوهستانی جزء اراضی جمهوری آذربایجان بوده است. براساس استراتژی روسها از اوایل قرن نوزدهم ارامنه به مناطق جنوبی قفقاز، از جمله قره‌باغ کوهستانی کوچ داده می‌شوند. اما موضع جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مناقشه قره‌باغ کوهستانی؛ ایران مخالف تغییر مرزها در منطقه است و تجاوز ارمنستان را محکوم می‌کند و در نتیجه تهران از حل و فصل سیاسی مناقشه قره‌باغ کوهستانی حمایت می‌کند. ایران از اوایل سال ۱۹۹۲ تا حدودی به میانجی‌گری برای حل مناقشه قره‌باغ کوهستانی تلاش کرد. در فوریه ۱۹۹۲، علی ولایتی وزیر امور خارجه ایران برای بررسی احتمال ایجاد فضای میانجی‌گری برای حل و فصل مناقشه قره‌باغ و همچنین گسترش روابط بین دو کشور از جمهوری آذربایجان و ارمنستان بازدید کرد. اما با وجود همه تلاش‌ها، ماموریت میانجی‌گری ایران در حل مناقشه قره‌باغ کوهستانی موفقیت‌آمیز نبوده است. اول اینکه، ارمنستان هیچ وقت میانجی‌گری ایران را جدی نگرفت، دوم اینکه، نفوذ روزافزون ایران در قفقاز می‌توانست منجر به تضعیف مواضع ایالات متحد و روسیه در منطقه شود. جمهوری اسلامی ایران کمک‌های بشردوستانه‌ای به پناهجویان آذربایجانی که در نتیجه تجاوز ارمنستان از خانه خود بیرون رانده شده و آواره شده‌اند، ارائه داد. بین سالهای ۱۹۹۴-۱۹۹۲، ۱۳۸ افسر و سرباز آذربایجانی را که در جنگ قره‌باغ مجروح شده بودند، در بیمارستان ۱۵ خرداد تهران به طور رایگان معالجه کردند. جمعیت هلال احمر ایران پنج اردوگاه پناهندگی را در جمهوری آذربایجان دایر کرد. ایران همچنین در این مدت به نخبوان کمک‌های بشردوستانه ارائه می‌داد که در نتیجه تجاوز ارمنستان در محاصره قرار گرفته بود. در ادبیات علمی و مطبوعات ایران مقاله‌های مستند و غیرمستندی در مورد وقایع قره‌باغ کوهستانی درج می‌شد. روابط جمهوری اسلامی ایران با ارمنستان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بشردوستانه موجب نارضایتی و نگرانی در جامعه جمهوری آذربایجان شده است.

کلیدواژه‌ها:

ایران - ارمنستان - جمهوری آذربایجان - مناقشه قره‌باغ

سیاست‌های روسیه در حوزه جوانان و تأثیرهای آن بر شرایط قفقاز جنوبی

موسی عبداللهی^۱

بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، روسیه هم مانند دیگر جمهوری‌های اتحاد شوروی درگیر فرایندهای دولت-ملت‌سازی بوده است. موضوع مورد توجه در این مقاله، سیاست‌های اجتماعی‌سازی جوانان در روسیه است که با توجه به پدیده «انقلاب‌های رنگی» بسیار مهم است. بر همین اساس، سیاست روسیه در حوزه جوانان را می‌توان بخشی از یک تلاش بزرگ‌تر جهانی برای تحکیم جایگاه حکومت و جامعه در چارچوبی کاملاً مشخص دید. در این سیاست، مسکو تلاش می‌کند تا از یک‌سو، فرایند نوسازی و «عادی‌سازی» روابط را دنبال کند؛ از سوی دیگر، نقش فرهنگ و مذهب را در جامعه روسیه تثبیت کند. با وجود این، بیشتر صاحب‌نظران بر این باورند که توسعه ملی نیازمند ایجاد ساختاری بازاری و رقابت‌پذیر و جذب سرمایه خارجی است. در این بستر، اجتماعی‌سازی حجم بزرگی از جوانان، تربیت کادر توانمند و دوراندیش بسیار اهمیت خواهد داشت. در این مقاله تلاش شده است تا سیاست روسیه در حوزه جوانان بررسی و تأثیرهای این سیاست و کردهای آن در قفقاز جنوبی مشخص شود.

کلیدواژه‌ها:

جوانان - روسیه - سیاست - قفقاز جنوبی - ملی‌گرایی

ضرورت شکل دهی الگوی بومی حل منازعه قره باغ از منظر منافع امنیتی ایران در قفقاز جنوبی

رحمت‌الله فلاح^۱

قفقاز جنوبی ضمن اینکه در پیوند سرزمینی و هویتی ایران است؛ از منظر امنیتی نیز محیط نزدیک و بی‌واسطه جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. تجربه تاریخی نشان می‌دهد، تحولات امنیتی ایران و قفقاز جنوبی در کمترین زمان در حوزه امنیتی - اجتماعی متقابل انعکاس واکنشی داشته است؛ به همین دلیل ادراک امنیتی خلق شده در این دو محیط پیوستگی‌های امنیتی آن را تأیید می‌کند. در محیط امنیتی این منطقه، پدیده‌های مختلفی وجود دارد که هارمونی امنیتی بومی را با چالش راهبردی مواجه می‌سازد: شکاف طبقاتی، هویت‌های آسیب‌دیده ملی در نتیجه ۱۵۰ سال سلطه روس‌ها بر این منطقه، روندهای سیاسی غیردمکراتیک و بازی ژئوپلیتیکی قدرت‌های بزرگ. از میان آن‌ها، منازعه قومی اوستیای جنوبی و آبخازیا در گرجستان و همچنین بحران قره‌باغ را می‌توان کانون آتشفشان منازعه در این منطقه دانست. مسئله گرجستان با توجه به نداشتن پیوستگی مستقیم سرزمینی با ایران، تأثیر فوری بر منافع امنیتی ایران ندارد؛ اما تشدید بحران قره‌باغ می‌تواند علاوه بر محیط ژئوپلیتیکی ایران، در فضای هویتی - قومی نیز تأثیر لایه‌ای و تکثیرگرا بگذارد و حتی به مسئله امنیت ملی نیز تبدیل شود. با این شرایط الزامات و ضرورت‌های منافع امنیتی ایران در قفقاز جنوبی ایجاب می‌کند که متناسب با واقعیت‌های محیطی، با توجه به تابلوی منافع راهبردی، الگوی امنیتی بومی در مورد حل منازعه قره‌باغ طراحی شود. با توجه به مزیت ژئوپلیتیکی، ایران می‌تواند روندهای امنیتی صحنه منازعه را با اراده سیاسی - راهبردی خود هم‌سو سازد؛ زیرا ایران تنها قدرتی است که با صحنه منازعه ارتباط مرزی - سرزمینی داشته است. از سوی دیگر، به‌عنوان مجرای تنفس ژئوپلیتیکی ارمنستان و همچنین پیوندهای جغرافیای آذربایجان با جمهوری خودمختار نخجوان نیز نقش ایفا می‌کند. این در حالی است که بازیگران دیگر قفقاز جنوبی این مزیت را ندارند. در چنین شرایطی عقلانیت راهبردی حکم می‌کند که ایران برای «تولید قدرت راهبردی» در قفقاز جنوبی، با ارائه الگوی متناسب با منافع امنیتی و هویتی خود در تنظیم بحران قره‌باغ، جلوه نوینی از اقتدار منطقه‌ای خود را نشان دهد. قرارگرفتن در حاشیه بازی بازیگران دیگر یا رضایت به روندهای «برون‌سپارانه» مسئله و امنیت قفقاز، در میان مدت و بلندمدت منافع ژئوپلیتیکی ایران را تأمین نخواهد کرد. مقاله پیش رو می‌خواهد ضمن بررسی سازه‌های درونی و بیرونی محیط امنیتی قفقاز جنوبی، در مورد ضرورت ارائه الگوی ایرانی حل مسئله قره‌باغ به‌عنوان راهگشای ورود مؤثر و پایدار ایران به ترتیبات امنیتی قفقاز جنوبی، تحلیل راهبردی خود را بیان کند.

کلیدواژه‌ها:

ایران - جمهوری آذربایجان - قره‌باغ - قفقاز جنوبی - منافع امنیتی

جایگاه امنیتی اتحادیه اروپا در تقابل با تروریسم در قفقاز جنوبی؛ پیشینه و ابعاد

حسن قدیری^۱

آرمین امینی^۲

منطقه قفقاز جنوبی به‌عنوان حدهای امنیتی آسیا و اروپا و شاهراه تنفس راهبردی فدراسیون روسیه برای این کشور و بازیگران دیگر فرامنطقه‌ای اهمیت ویژه‌ای دارد. اتحادیه اروپا به‌عنوان بازیگری مؤثر در نظام بین‌المللی و در پیش‌گیرنده سیاست رقابت همکاری با روسیه در نقش‌آفرینی در منطقه قفقاز جنوبی اهمیت ویژه‌ای دارد. این نقش‌آفرینی به‌واسطه حضور پررنگ روسیه و ایالات متحد آمریکا، کم‌رنگ می‌شود. ولی واقعیت آن است که اتحادیه اروپا به‌دلیل نزدیکی مرزهای خود با کشورهای قفقاز جنوبی در زمینه مسائلی مانند تروریسم، تهدیدهای نامتقارن و افراط‌گرایی سلفی نگرانی‌های فراوانی دارد. دغدغه امنیتی از سرازیر شدن سیل مهاجران و نیز ورود تروریست‌های معارض با هنجارهای مطلوب اروپا، می‌تواند چالش مهم امنیت اتحادیه اروپا برآورد شود. پس از چندین مورد اقدام‌های تروریستی در کشورهای اتحادیه اروپا علاوه بر خاورمیانه عربی، منطقه قفقاز جنوبی نیز به‌عنوان منطقه‌ای بالقوه چالش‌زا برای امنیت اتحادیه اروپا به‌شمار می‌رود. از این‌رو، چگونگی حضور و نقش‌آفرینی سیاست‌های دفاعی امنیتی اتحادیه اروپا در منطقه قفقاز جنوبی تحت تأثیر سیاست‌های فدراسیون روسیه و ایالات متحد آمریکا می‌تواند مورد نظر باشد. در این مقاله این پرسش مطرح می‌شود که جایگاه امنیتی اتحادیه اروپا در سیاست اعلامی مقابله با تروریسم در منطقه قفقاز جنوبی چه مؤلفه‌هایی دارد و پیشینه و ابعاد آن چگونه است؟

کلیدواژه‌ها:

افراط‌گرایی مذهبی - امنیت - بازیگران فرامنطقه‌ای - تروریسم - تهدیدهای نامتقارن - توازن - روسیه

الگوی امنیتی روسیه در قفقاز جنوبی؛ ساز و کارها، پیامدها و چشم‌انداز آینده

جهانگیر کرمی^۱

رقیه کرامتی نیا^۲

صلح و امنیت در قفقاز جنوبی امری سلبی است که به دلیل مجموعه‌ای از مسائل ریشه‌دار و روند تحولات در سه دهه اخیر دستیابی به آن دشوارتر شده است و در آستانه سال ۲۰۲۰، که سه دهه از جدایی منطقه و استقلال کشورهای آن از اتحاد شوروی می‌گذرد، منطقه با بحران‌هایی درگیر است که نه تنها برای هر یک از کشورهای منطقه بلکه برای دولت‌های مجاور نیز منشأ تهدید است. از این‌رو، بازیگران منطقه‌ای و غیر منطقه‌ای را به حضور فعال در قفقاز جنوبی و به‌کارگیری سیاست‌های امنیتی در آن واداشته است. روسیه با داشتن بیشترین نفوذ و قدرت عمل در منطقه، بازیگر اصلی در تحولات امنیتی منطقه به‌شمار می‌آید که الگوی خاص خود را در منطقه اجرا کرده است و بدون در نظر گرفتن آن، امکان تحقق هر طرحی به‌عنوان بدیل برای بازیگران دیگر گرفته شده است. فهم منطق رفتاری کرملین و سازوکار اجرای الگوی امنیتی ویژه آن در منطقه که سه دهه تداوم یافته، موضوعی است که برای شناخت دقیق بسیاری از روندهای منطقه اساسی است. نگارندگان در این مقاله با هدف بررسی الگوی امنیتی روسیه این پرسش را مطرح کرده‌اند که «روسیه برای تأمین امنیت در قفقاز جنوبی چه سازوکاری را به‌کار گرفته است؟» در پاسخ این فرضیه ارائه شده است که «روسیه از راه حمایت از ارمنستان، کنترل جمهوری آذربایجان و حاشیه‌ای کردن گرجستان ضمن تأمین امنیت خود در منطقه قفقاز جنوبی، به دلیل نگرانی از حضور و نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای نوعی موازنه تهدید را در منطقه تداوم بخشیده است. برای بررسی این فرضیه، نگارندگان از راه تحلیل محتوای برخی از متون مهم روسی، فارسی و انگلیسی، کوشیده‌اند تا نخست چارچوبی نظری بر اساس موازنه تهدید ارائه کنند. سپس با بررسی وضعیت امنیتی موجود منطقه به بحث در مورد الگوی امنیتی روسی در قفقاز جنوبی بپردازند. در پایان نیز پیامدها و چشم‌انداز آینده این الگو را برای منطقه بیان کنند.

کلیدواژه‌ها:

امنیت منطقه‌ای - قفقاز جنوبی - روسیه - الگوی امنیتی - سازمان‌های منطقه‌ای - موازنه تهدید

در قره باغ چه می‌گذرد؟ تحولاتی جدید در مناقشه‌ای قدیمی

ولی کوزه‌گر کالجی^۱

قره‌باغ با داشتن وضعیت «نه جنگ، نه صلح»، در کنار مناقشه‌هایی چون آبخازیا و اوستیای جنوبی به‌عنوان یکی از «منازعه‌های حل‌نشده» منطقه قفقاز به‌شمار می‌رود که آرایش سیاسی و امنیتی در منطقه قفقاز جنوبی پیرامون آن شکل گرفته است. از این رو، هر نوع تغییر در روند مناقشه قره‌باغ، به‌صورت مؤثری بر ترتیبات و معادلات سیاسی و امنیتی این منطقه تأثیر خواهد گذاشت. در سال‌های اخیر تحولات سیاسی و میدانی بسیار مهمی در ارمنستان، جمهوری آذربایجان و منطقه قره‌باغ روی داده است که بر روند مناقشه قره‌باغ بسیار تأثیر گذار بوده است. این تحولات عبارت‌اند از: جنگ پنج روزه آوریل ۲۰۱۶ که مهم‌ترین و گسترده‌ترین نقض آتش‌بس موافقت‌نامه بیشکک ۱۹۹۴ بود، فعال‌شدن روس‌ها در اجرای طرح صلح جدید و مرحله‌ای که ترکیبی از اصول مادرید مصوب گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا در سال ۲۰۰۷ و طرح صلح غازان روسیه در سال ۲۰۱۱ است، تحولات سیاسی اعتراضی فراگیر در ارمنستان که منجر به حذف کامل طیف قره‌باغی (آرتساخ) و نیز حزب جمهوری خواه در دولت نیکول پاشینیان پس از دو دهه (از زمان دولت روبرت کوچاریان در سال ۱۹۹۹) شد، افزایش فشار نظامی و سیاسی روسیه بر ارمنستان به‌دلیل سیاست‌های مستقل و گاه غرب‌گرایانه دولت نیکول پاشینیان از جمله با افزایش فروش تسلیحات روسی به جمهوری آذربایجان، طرح عضویت دوباره جمهوری آذربایجان در پیمان امنیت دسته جمعی، برگزاری کنفرانس پیرامون محور ژئوپلیتیک باکو، مسکو: جمهوری آذربایجان، تنهاتحدر و سیه در قفقاز جنوبی در منطقه «له تیه» در روستای «جو جوق مرجانلی» شهر جبرائیل با حضور نخبگان و چهره‌های سیاسی روسی، افزایش فشار بر دولت نیکول پاشینیان برای آزادی روبرت کوچاریان، رئیس‌جمهور پیشین ارمنستان از چهره‌های اصلی طیف قره‌باغی و نزدیک به فدراسیون انقلابی ارمنی (دانشناکسوتیون) که می‌تواند به‌واسطه ورود دوباره به عرصه سیاسی ارمنستان و نیز شرکت احتمالی در انتخابات ریاست جمهوری منطقه قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ ورق را دوباره به‌سوی روسیه برگرداند. پی‌شهاد نیکول پاشینیان برای مشارکت نمایندگان منطقه قره‌باغ در مذاکرات صلح همراه نمایندگان و مقام‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان (بازگشت به‌الگوی دوران لئون ترپتروسیان و حیدر علی‌اف) که با مخالفت باکو مواجه شده است. افزایش توجه جمهوری آذربایجان به دیپلماسی عمومی از جمله شرکت تیمی با نام «قره‌باغ» در مسابقات قهرمانی باشگاه‌های اروپا و شرکت فعال در کنفرانس‌های مربوط به قره‌باغ در شهرهای مختلف آذری زبان ایران و نیز نجف در عراق و کوشش دولت ارمنستان برای برقراری روابط دیپلماتیک با عربستان سعودی که به‌واسطه مناقشه قره‌باغ همراه با پاکستان و یمن هنوز بعد از گذشت سه دهه، حاضر به شناسایی استقلال ارمنستان نشده است، از مهم‌ترین تحولات سیاسی، نظامی و میدانی در مناقشه قدیمی و دیرپای قره‌باغ است که به‌واسطه اهمیت بسیار بالای این تحولات بر منطقه قفقاز و نیز منافع و امنیت ملی ایران، در این مقاله بررسی خواهد شد تا درک و شناخت بهتری از سمت و سوی تحولات جدید مناقشه دیرپای قره‌باغ به‌دست آید.

کلید واژه:

ارمنستان - جمهوری آذربایجان - روسیه - قره‌باغ - قفقاز جنوبی

اولویت‌بندی تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران از قفقاز جنوبی و راهکارهای مقابله

فتح‌الله کلانتری^۱

پیمان کاویانی فر^۲

تحولات و پویای امنیت قفقاز جنوبی تأثیر مستقیمی بر منافع و امنیت ملی ایران دارند. نظر به تنوع و تکثر پویای تهدیدزایی که می‌تواند از جانب قفقاز جنوبی علیه منافع و امنیت ملی کشور شکل گیرد، شناسایی و اولویت‌بندی مهم‌ترین تهدیدها از جانب این منطقه به عنوان مسأله محوری این پژوهش در نظر گرفته شده و تلاش شده است با اولویت‌بندی این تهدیدها در منطقه، راهکارهای بهینه‌ای برپایه اندیشه‌های رهبر جمهوری اسلامی ایران ارائه شود. سوال اصلی این است که «اولویت‌بندی مهم‌ترین پویای تهدیدزای متوجه جمهوری اسلامی ایران از طریق قفقاز جنوبی کدامند؟» روش پژوهش پیمایش با پرسشنامه است، ولی در سوالات فرعی از روش‌های تحلیل محتوا و مصاحبه نیز استفاده شده است. نتیجه کلی حاصل از پژوهش این است که در قفقاز جنوبی تهدیدهای امنیتی و اقتصادی/ژئواکونومیکی اولویت بالایی دارند و باید به این دو حوزه توجه و تمرکز بیشتری کرد. اهم پیشنهادها و پژوهش عبارتند از: ارتقای همکاری‌ها با قدرتهای آسیایی، اولویت دادن به پروژه‌های زیرساختی فرامرزی قدرت‌های آسیایی برای مقابله با تخلیه ژئوپلیتیکی، برپایی دفتر بررسی نیازهای فنی مهندسی کشورهای منطقه، استفاده از توان فنی و مهندسی بومی برای رفع نیازهای فنی مهندسی کشورها، فعال‌سازی ظرفیت‌های دیپلماسی دفاعی.

کلیدواژه‌ها:

امنیتی‌سازی - تهدید امنیتی - جمهوری اسلامی ایران - قفقاز جنوبی - مجموعه امنیتی

مجموعه امنیتی ایران و کشورهای قفقاز جنوبی

امیر هوشنگ میرکوشش^۱

محمد زندی زیارانی^۲

الگوهای دوستی و دشمنی، وابستگی متقابل، نزدیکی فرهنگی و قومیتی و اقتصاد از شاخص‌های تشکیل مجموعه امنیتی منطقه‌ای است. ایران و کشورهای قفقاز جنوبی شامل گرجستان، جمهوری آذربایجان و ارمنستان با توجه به داشتن بیشتر این شاخص‌ها و مزیت‌های اقتصادی، قابلیت تشکیل چنین مجموعه‌ای را دارند. مجموعه امنیتی منطقه‌ای ریشه در مبانی نظری مکتب کپنهاک دارد که امنیت را فراتر از دیدگاه سنتی مبتنی بر قدرت و نظامی‌محور می‌داند و امنیت را در ابعاد پنج‌گانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گسترش داده است. کشورهای این منطقه به دلیل داشتن پیشینه یا سرنوشت به نسبت مشترک تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی می‌توانند در تشکیل مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی با یکدیگر اقدام کنند. ایران با داشتن موقعیت ژئوپلیتیکی و مزیت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌تواند به عنوان محور این مجموعه به رسمیت شناخته شود و برای تشکیل آن بسترهای لازم را فراهم کند. این پژوهش با استفاده از چارچوب نظری مطرح شده، مجموعه امنیتی ایران و کشورهای قفقاز جنوبی را با استفاده از شاخص‌ها و ابعاد ذکر شده، بررسی کرده است و به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که شکل‌گیری مجموعه امنیتی ایران و کشورهای قفقاز جنوبی با توجه به نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای باری بوزان چگونه امکان‌پذیر است؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش و اثبات فرضیه پژوهش، منافع و تهدیدهای مشترک میان ایران به عنوان محور ایجاد این مجموعه و دیگر بازیگران مجموعه امنیتی را با توجه به اشتراک‌های زبانی، قومی، فرهنگی در حوزه‌های سیاسی و امنیتی، اقتصادی و فرهنگی تجزیه و تحلیل کرد و به ابعاد دیگری از روابط این کشورها و منافع مشترک آنان اشاره کرد. بر اساس روش پژوهش کیفی فرضیه پژوهش را بررسی می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها:

تهدیدهای مشترک - قفقاز جنوبی - مجموعه امنیتی منطقه‌ای - منافع مشترک - هویت

پیش‌ان‌های قوام بخش سیاست تداوم وضع موجود روسیه در ارتباط با بحران‌های قفقاز جنوبی

رضا محمود اوغلی^۱

قاسم اصولی^۲

با گذشت بیش از دو دهه و نیم از زمان شکل‌گیری بحران‌های منطقه قفقاز جنوبی مانند مناقشه قره‌باغ و بحران جمهوری‌های آبخازیا و اوستیای جنوبی، شاهد ناکارآمدی سازوکارهای دیپلماتیک اعمال‌شده اتحادیه مینسک و تحولات میدانی برای حل و فصل این مناقشه‌ها هستیم. پرسش اینجاست که چه عواملی تقویت‌کننده و سازنده سیاست امنیتی روسیه مبنی بر تداوم وضع موجود و برهم‌نخوردن موازنه قدرت شکل‌گرفته میان طرف‌های درگیر در منطقه قفقاز جنوبی هستند؟ این فرضیه مطرح می‌شود که مجموعه عواملی مانند جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه ترتیبات امنیتی و اقتصادی منطقه‌ای مخالف با منافع روسیه، کنترل رفتار خارجی بازیگران منطقه و جلوگیری از به نتیجه رسیدن گرایش‌های غرب‌گرایانه آن‌ها، دستاوردهای اقتصادی مانند گسترش روابط تجاری، فروش انرژی و فروش تسلیحات نظامی و حضور روسیه در منطقه با اتکا به تداوم بحران‌های این جمهوری‌ها مهم‌ترین عوامل قوام‌بخش سیاست وضع موجود روسیه در منطقه هستند. در این پژوهش کوشیدیم با استفاده از روش تبیینی این عوامل را تحلیل و بررسی کنیم.

کلیدواژه‌ها:

آبخازیا- اوستیای جنوبی - روسیه - سیاست وضع موجود- قره‌باغ - موازنه قوا

پیامد حضور اسرائیل در منطقه قفقاز جنوبی و تأثیر آن بر صلح منطقه

سید محسن میرحسینی^۱

فاطمه قیمی بشنو^۲

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، قفقاز جنوبی مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای قرار گرفت. اسرائیل از مهم‌ترین کشورهای منطقه است که به قفقاز جنوبی توجه زیادی داشته است. عواملی مانند موقعیت ژئوپلیتیکی، پیشینه حضور یهودیان در این منطقه، وجود جمعیت پراکنده یهودیان و نفت در منطقه قفقاز جنوبی سبب توجه اسرائیل به این منطقه شده است. حضور اسرائیل در این منطقه، پیامدهای امنیتی داشته است و صلح و امنیت را در این حوزه به چالش کشیده است. در این زمینه، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که حضور اسرائیل در منطقه قفقاز جنوبی چه تأثیری بر صلح و امنیت این منطقه داشته است؟ در این پژوهش، نظریه ژئوپلیتیک به‌عنوان چارچوب نظری تحقیق در نظر گرفته شده است و تلاش شده است این موضوع با روش توصیفی-تحلیلی و با به‌کارگیری منابع کتابخانه‌ای و اسنادی بررسی شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه و تسهیل دسترسی اسرائیل به دیگر کشورهای منطقه، سبب حضور اسرائیل در این منطقه و در نتیجه رشد نظامی‌گیری و وارد شدن قفقاز جنوبی در معادلات منطقه‌ای اسرائیل شده است. این مسئله خود منجر شده است به خریدهای نظامی کشورهای منطقه و افزایش توان نظامی-امنیتی آن‌ها و همچنین روند صلح در این منطقه به چالش کشیده شود.

کلیدواژه‌ها:

اسرائیل - امنیت - صلح - قفقاز جنوبی

سازمان‌های منطقه‌ای ابزار روسیه برای برقراری ثبات و امنیت در قفقاز جنوبی

حامد مؤذنی^۱

قفقاز جنوبی همواره از نظر راهبردی از کانون‌های مهم منازعه میان روسیه و آمریکا بوده است. آمریکا به قفقاز همانند نقطه‌ای راهبردی در تکامل حلقه آنکوندایی خود علیه روسیه می‌نگرد و با اقدام‌هایی مانند دخالت در مناقشه قره‌باغ و گسترش نفوذ و حضور سیاسی - نظامی از راه فرهنگ‌سازی نرم و حضور نیروهای ناتو، به دنبال تکامل فرایند محاصره هر چه بیشتر روسیه است. ضربه به منافع راهبردی و تضعیف قدرت روسیه در عرصه بین‌الملل از هدف‌های اصلی این سیاست برآورد می‌شود. در مقابل، مسکو نیز با هدف دفاع از منافع ملی، تثبیت موقعیت منطقه‌ای و جهانی و همچنین شناساندن فدراسیون روسیه به‌عنوان میراث‌دار شایسته اتحاد شوروی به‌عنوان یک قدرت جهانی، رفتاری دفاعی و تا حدودی تقابلی جویانه را برگزیده است. در این میان، منطقه قفقاز جنوبی که کشورهای پسا شوروی را در بر می‌گیرد؛ به نوعی خط قرمز و حیاط‌خلوت مسکو شناخته می‌شود که هرگونه تحرک خارجی به‌ویژه از سوی غرب در این منطقه می‌تواند پیامدهای خطرناکی برای مرزهای جنوبی روسیه به ارمغان بیاورد. بنابراین روسیه با درک این موضوع همواره کوشیده است ضمن دور نگه‌داشتن این منطقه از حضور و نفوذ آمریکا و ناتو، موقعیت راهبردی خود را در قفقاز تثبیت کند. ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای از ابزارهای مهم روسیه است. در نتیجه روسیه سه دسته سازمان برای پرکردن خلأ ناشی از فروپاشی اتحاد شوروی در منطقه ایجاد کرد: در حوزه سیاسی جامعه کشورهای مستقل هم‌سود (سی‌آی‌اس) که جمهوری آذربایجان و ارمنستان عضو آن هستند، در حوزه امنیتی سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی که ارمنستان عضو کنونی و گرجستان و جمهوری آذربایجان اعضای پیشین آن هستند و در حوزه اقتصادی اتحادیه اقتصادی اوراسیا که ارمنستان عضو و جمهوری آذربایجان نیز خواستار عضویت هستند. این پژوهش در پی شناخت نقش سازمان‌های منطقه‌ای در روند کنونی و آینده تحولات جمهوری‌های قفقاز جنوبی است و به این پاسخ می‌رسد که سازمان‌ها تا جایی که به‌عنوان ابزاری محدودکننده از آن‌ها استفاده نشود، می‌توانند نقش بسیار مثبت و تأثیرگذاری در توسعه سیستم‌های امنیتی و اقتصادی این منطقه ایفا کنند.

کلیدواژه‌ها:

آمریکا- روسیه- سازمان‌های منطقه‌ای- قفقاز جنوبی

رقابت امنیتی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قفقاز جنوبی

زهره معارف‌وند^۱

فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد، همانند ورود قفقاز جنوبی به عرصه رقابت‌های امنیتی و کانون توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌شمار می‌رود. خلأ امنیتی در این منطقه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را بر آن داشت تا از راه‌های مختلف در این سه جمهوری نواستقلال نفوذ و آن را تثبیت کنند. روسیه نوین که خود را وارث یکی از دو ابرقدرت جنگ سرد می‌داندست به دنبال گسترش نفوذ در خارج نزدیک خود و احیای قدرت از دست رفته بود و آمریکا و اروپا در پوشش طرح گسترش ناتو به شرق و بازدارندگی تهدید روس‌ها و جلوگیری از احیای قدرت از دست‌رفته این کشور به توسعه سیاسی، نظامی و امنیتی خود پرداختند. ایران و ترکیه نیز با توجه به نزدیکی و ویژگی‌های خاص خود، حوزه نفوذ و سطح ارتباطات خود با این کشورها را متناسب با اشتراک‌ها افزایش دادند. اما رقابت کشورها و قدرت‌های فرامنطقه‌ای در قفقاز جنوبی و مناقشات سرزمینی و مرزی و ساخت پایگاه‌های نظامی و رقابت تسلیحاتی در میان کشورهای قفقاز جنوبی نگرانی‌ها و خطرهای امنیتی را برای کشورهای منطقه و به‌ویژه روسیه و ایران موجب شده است. این مقاله بر آن است تا حوزه امنیتی قفقاز جنوبی را در چارچوب نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای تبیین کند. در ادامه به تهدیدهای امنیتی با توجه به مناقشه‌های این منطقه و بحث انرژی (نفت و گاز)، چگونگی کنترل، انتقال و اهمیت آن می‌پردازد و در پی پاسخ به این پرسش است که چرا رقابت امنیتی در قفقاز جنوبی پس از پایان جنگ سرد در میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای افزایش یافت؟

کلیدواژه‌ها:

قفقاز جنوبی - رقابت امنیتی - قدرت‌های منطقه‌ای - قدرت‌های فرامنطقه‌ای

رفتارشناسی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حوزه قفقاز جنوبی

فاطمه سادات معلومی^۱

سعید ساطعی^۲

پس از فروپاشی اتحاد شوروی و ایجاد کشورهای نواستقلال، قفقاز جنوبی به دلیل خلأ قدرت برتر به صحنه رقابت میان قدرت‌ها تبدیل شد. با توجه به سطح بالای تنش و رقابت میان قدرت‌های بزرگ در این منطقه هر نزاع منطقه‌ای به عرصه‌ای برای رقابت قدرت‌های جهانی و صف‌بندی آن‌ها علیه یکدیگر تبدیل می‌شود. همچنین، این منطقه به‌طور معمول شاهد اختلاف‌های قومی - مذهبی بوده است که به جنگ‌های مختلفی میان بازیگران منطقه‌ای منجر شده است. در نتیجه ایران، ترکیه و روسیه به‌عنوان قدرت‌های منطقه‌ای و آمریکا و اتحادیه اروپا به‌عنوان قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای حضور مؤثرتر در این منطقه و دستیابی به منافع راهبردی و گسترش حوزه نفوذ خود رقابت می‌کنند. روسیه به دلیل نزدیکی جغرافیایی و به‌عنوان وارث اتحاد شوروی، نقش بازیگر اصلی را در کنترل و مدیریت بحران‌های این منطقه بازی می‌کند. بازیگران دیگر همچون ایران و ترکیه اشتراک‌های قومی - مذهبی و تاریخی دارند که به‌عنوان قدرت‌های منطقه‌ای در این زمینه مطرح هستند. آمریکا نیز می‌کوشد از توان خود در حوزه نظامی بهره ببرد و سازمان‌های مورد نظر خود را در این منطقه مستقر کند. همچنین آمریکا با بیان طرح «گسترش ناتو به شرق»، کم‌کم زمینه‌های حضور نظامی و سلطه خود را در این منطقه فراهم می‌کند. حضور فعال اتحادیه اروپا نیز بر پایه اهمیت ژئوپلیتیک منطقه و نقش آن در تأمین انرژی اروپا استوار است. به همین دلیل پیشرفت روابط این کشورها با ناتو و اتحادیه اروپا، اولویت اساسی در سیاست خارجی و امنیت مشترک اتحادیه اروپا است. این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که رویکرد قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حوزه قفقاز جنوبی مبتنی بر چه مؤلفه‌هایی است؟

کلیدواژه‌ها:

قدرت‌های منطقه‌ای - قدرت‌های فرامنطقه‌ای - روسیه، قفقاز - انتقال قدرت

کارکرد و نقش فرهنگ مشترک تاریخی در گسترش امنیت و صلح میان کشورهای قفقاز جنوبی (مطالعه موردی ایران، ارمنستان و جمهوری آذربایجان)

امین نواختی مقدم^۱

معین حافظی زاده^۲

فرهنگ نظام‌های منظم یا الگومند نمادها، موضوع جهت‌گیری کنش‌ها، عناصر درونی شده شخصیت افراد کنشگر و الگوهای نهادمند نظام اجتماعی است. هر نظام عمومی کنش از چهار ساخت تشکیل شده است: نظام اجتماعی، نظام فرهنگی، نظام شخصیت و نظام ارگانسیم رفتاری. فرهنگ به صورت هنجارها و ارزش‌ها تجسم می‌یابد و نیروی عمده‌ای است که عناصر گوناگون نظام اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد. نظام فرهنگی بر دیگر نظام‌ها نظارت دارد. در واقع، در مراتب سبیرنتیک، بالاترین و مسلط‌ترین جایگاه را در میان این چهار خرده‌نظام دارد. امروزه در حوزه روابط بین‌الملل، اشتراک‌های فرهنگی می‌تواند نقش مؤثری در بهبود دیگر پارامترهای ارتباطی با واحدهای ملی یا زیرملی دیگر داشته باشد. این مؤلف‌ها شامل اقتصاد، دیپلماسی، انرژی و دیگر عنوان‌های ارتباط میان کشورها است. فرضیه این مقاله بیان می‌کند که باور به اشتراک‌های فرهنگی - تاریخی و همچنین اقناع اجتماعی و سیاسی در واحدها نسبت به مسئله اشتراک فرهنگی، می‌تواند بر امنیت، صلح و دیگر عناصر ارتباطی تأثیر بسزایی داشته باشد. این مهم از راه دیپلماسی فرهنگی و اقناع فرهنگی بین‌المللی قابل دسترسی است. نکته مهم اینکه در وضعیت تنش‌زای کنونی، فرهنگ و باور به اشتراک‌های فرهنگی می‌تواند در نهایت منجر شود به صلح و امنیت منطقه‌ای شود. در این مقاله از نظریه‌های چرخش فرهنگی استفاده شده است که از دهه ۱۹۸۰ و در چالش با نظریه‌های مارکسی به دنبال تبیین و توصیف روابط در عرصه اجتماعی و تاریخی است تا مسائل دشوار و اساسی این منطقه از دیدگاه فهم معنا و کنشگری فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد. از سویی، نویسندگان با توجه به قدرت روش سازه‌انگاری در زمینه تحلیل مسائل بین‌المللی از این روش و رهیافت نیز به عنوان روش تحلیل بهره‌برداری کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها:

امنیت - انسجام فرهنگی - دیپلماسی فرهنگی - صلح منطقه‌ای - قفقاز جنوبی

افزایش حضور و نفوذ چین در قفقاز جنوبی و فرصتها و تهدیدهای آن برای ایران

رکسانا نیکنامی^۱

جعفر خاشع^۲

قفقاز جنوبی با داشتن منابع مهم انرژی در دریای خزر، مناقشات داخلی و گسل‌های امنیتی و قرارگرفتن در مسیر حمل‌ونقل بین شرق و غرب و شمال و جنوب برای کنشگران مهم بین‌المللی اهمیت زیادی دارد. با وجود این، قفقاز جنوبی برای چین تا مطرح‌شدن طرح یک کمربند و یک جاده در سال ۲۰۱۳، یک منطقه با اولویت به‌نسبت پایین باقی مانده بود. با مطرح‌شدن طرح یک کمربند و یک جاده، توجه چین به قفقاز جنوبی جلب شد. منافع چین در قفقاز جنوبی در اصل برآمده از هدف‌های گسترده‌تر این کشور در عرصه سیاست خارجی از جمله تأمین دسترسی به منابع جدید مواد خام، خلق یک محیط باثبات حول محیط پیرامونی گسترش‌یافته خود، ایجاد پیوندهای حمل‌ونقل فراراه‌ای و گشودن بازارهای جدید برای شرکت‌های چینی است. در این زمینه، قفقاز جنوبی برای تأمین منابع موردنیاز انرژی، قرارگرفتن در مسیر طرح یک کمربند و یک جاده و صادرات کالاهای چینی مورد توجه چین قرار گرفته است. البته جایگاه قفقاز در محاسبات چین را نباید بدون در نظر گرفتن رابطه پکن با غرب، روسیه، ایران و ترکیه در منطقه بررسی کرد. حضور رو به رشد پکن در منطقه سبب شده است تا دولت‌های قفقاز جنوبی به دنبال جهت‌گیری اقتصادی و سیاسی نزدیک‌تر با چین باشند. این مسئله سبب شده است تا موقعیت نسبی برخی دیگر از بازیگران منطقه‌ای در قفقاز تغییر کند. در این مقاله در پی بررسی کنش‌ها و هدف‌های اعمالی چین در قفقاز جنوبی و پیامدهای مثبت و منفی آن برای کنشگری ایران در این منطقه هستیم. در پاسخ به این پرسش، این فرضیه را می‌آزماییم. به نظر می‌رسد حضور چین در قفقاز جنوبی از نظر اقتصادی و تجاری چالشی برای ایران است؛ ولی از نظر راهبردی و ایجاد موازنه میان چین و آمریکا می‌تواند در بلندمدت فرصت‌های خوبی را برای بهره‌برداری ایران فراهم کند.

کلیدواژه‌ها:

ایران- چین، راهروی شمال- جنوب- یک کمربند و یک جاده- قفقاز جنوبی- منابع انرژی.

پیشران‌های سیاست خارجی جمهوری آذربایجان و ارمنستان در مورد بحران قره‌باغ و سناریوهای احتمالی

امین نواختی مقدم^۱

قاسم اصولی^۲

چشم‌انداز تحولات قره‌باغ و تداوم آن در مسیر مصالحه یا مناقشه، اثر تعیین‌کننده‌ای بر نظم منطقه‌ای و آینده معادلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی قفقاز جنوبی دارد و می‌تواند ماهیت قاعده بازی، ساخت اجتماعی و الگوهای دوستی و دشمنی را در منطقه تغییر دهد. از این رو، پژوهش این موضوع در راستای شناخت ماهیت مناقشه و کاربست راهبرد موفق در راستای تأمین امنیت اقتصادی و منافع ملی کشور ضرورت دارد. هدف این پژوهش بررسی پیشران‌های مختلف سیاست خارجی این دو کشور در ارتباط با مناقشه قره‌باغ است تا با توجه به تعیین‌کنندگی هر یک از پیشران‌ها، به محتمل‌ترین سناریو در آینده اشاره شود. پرسشی که مطرح می‌شود این است که چگونه سیاست خارجی جمهوری آذربایجان و ارمنستان در مورد بحران قره‌باغ شکل گرفته است. به نظر می‌رسد مجموعه متغیرهایی مانند وضعیت اقتصادی، نقش دیاسپورا و احزاب داخلی در مورد ارمنستان، رشد احساسات ملی‌گرایی و نقش اسلام‌گرایان و بحران مشروعیت ناشی از این دو متغیر در مورد جمهوری آذربایجان، پیشران‌های سیاست خارجی این دو کشور در مورد بحران قره‌باغ باشند و به تدریج با توجه به نقش فزاینده متغیرهای اقتصادی در قیاس با دیگر متغیرها برای ارمنستان، شاهد تغییر وضع موجود در روند تحولات قره‌باغ باشیم. در این پژوهش کوشش شده است در یک بخش، سیر تحولات بحران قره‌باغ تا اکنون بررسی شود و در بخش دیگر، با بررسی تعیین‌کنندگی پیشران‌های مختلف به محتمل‌ترین سناریو به روش تبیینی اشاره شود.

کلیدواژه‌ها:

احزاب داخلی - ارمنستان - قره‌باغ - جمهوری آذربایجان - دیاسپورا - گروه‌های اسلامی

تأثیر اختلاف‌های قومی و مذهبی در امنیت قفقاز جنوبی؛ مطالعه موردی سیاست‌های ترکیه

امین نواختی مقدم^۱

سعید طالبی^۲

منطقه قفقاز جنوبی متشکل از سه کشور جمهوری آذربایجان، گرجستان و ارمنستان با توجه به نداشتن تجانس فرهنگی و تنوع قومی، از مناطق مستعد درگیری و بی‌ثباتی است. با فروپاشی اتحاد شوروی و حاکم‌شدن وضعیت جدید بر منطقه قفقاز جنوبی، این منطقه یکپارچگی خود را از دست داد و به دلیل وجود ذخایر عظیم انرژی، همسایگی با روسیه و ایران و اهمیت انتقال انرژی موجب توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند آمریکا و اروپا بر این مناطق شده که خود به‌عاملی برای بی‌ثباتی منطقه تبدیل شده است. خلأ قدرت ناشی از فروپاشی اتحاد شوروی تهدیدهای و چالش‌های بسیاری را برای سه کشور جمهوری آذربایجان، گرجستان و ارمنستان ایجاد کرده و مناقشه قره‌باغ در فضای پرتلاطم آن دوران به‌صورت مناقشه‌ای اساسی میان دو کشور تازه تأسیس جمهوری آذربایجان و ارمنستان درآمد و هر دو کشور بنا به سیاست‌هایی که در این مورد داشتند، بر سر این موضوع وارد جنگی خونین و همه‌جانبه شدند که تلفات و آوارگان بسیاری نتیجه این جنگ برای دو طرف بود. در صورت تأمین‌نشدن خواسته‌های قومیت‌های معارض و چالش‌گر، مناقشه‌های قومی به‌عنوان عامل تهدیدکننده امنیت منطقه ادامه خواهد داشت. ترکیه با بهره‌برداری از اشتراک‌های تاریخی، زبانی، هویت‌های قومی و نژادی از اختلاف‌های قومی و وجود حفره‌های فرهنگی و اقتصادی در این منطقه استفاده کرده و توانسته است بر برخی از اقوام قفقاز جنوبی تأثیر زیادی داشته باشد که خود عامل دامن‌زدن به اختلاف‌های قومی و ناامنی در قفقاز جنوبی شده است. در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که اختلاف‌های قومی چه تأثیری بر ایجاد ناامنی در قفقاز جنوبی داشته است؟ فرضیه پژوهش: اختلاف‌های قومی و وجود برخی تعارض‌های فرهنگی از اصلی‌ترین عوامل ناامنی در قفقاز جنوبی در سال‌های اخیر بوده است. در حال حاضر نیز مناطق قره‌باغ، آبخازیا، اوستیای جنوبی و آجاریا از مهم‌ترین مناطق درگیر مناقشه‌های قومی در قفقاز هستند و ترکیه با استفاده از این اختلاف‌ها حضور شایان توجهی در این منطقه کسب کرده است.

کلیدواژه‌ها:

قفقاز جنوبی - امنیت - ترکیه - اختلاف‌های قومی - جمهوری اسلامی ایران

راهبرد امنیتی روسیه در منطقه قفقاز و تأثیر آن بر همکاری امنیتی منطقه‌ای با جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی مقابله با گروه‌های سلفی)

امین نواختی مقدم^۱

توحید پاسدار^۲

روسیه از بازیگران اصلی در تحولات منطقه قفقاز جنوبی است. این کشور براساس اولویت‌های امنیتی مدنظر خود به بازتعریف تهدیدهای امنیتی خود اقدام کرده است. این بازتعریف براساس موضع‌گیری‌های ناتو در نگاه به کشورهای اروپای شرقی و تشکیل پایگاه در این مناطق، بحران اوکراین، حضور در کانون‌های مهم منطقه‌ای از جمله مدیترانه و خلیج فارس استوار است. تحولات سوریه در هشت سال اخیر نشان می‌دهد که بحران سوریه چالش‌ها و اختلاف‌های بنیادین قدرت‌های جهانی را شعله‌ورتر کرده و مشکلات نهفته آن‌ها را آشکار ساخته است. بحران سوریه به‌نوعی محل برخورد اندیشه‌های ایدئولوژیکی و سیاسی و امنیتی است که هر کدام از کشورهای منطقه بر اساس اولویت‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود در این بحران نقش ایفا می‌کنند. از دلایل حضور روسیه در تحولات سوریه، جلوگیری از گسترش بحران‌های امنیتی به سمت مرزهای روسیه بود. تحلیل‌های صورت گرفته نشان می‌داد که منطقه قفقاز با داشتن بیست میلیون جمعیت مسلمان که گرایش‌های مذهبی بعضی قوی و حتی سلفی دارند، به‌عنوان خاستگاه و کانون پشتیبانی نیروی انسانی و محلی برای فعالیت‌های افراطی گروه‌های تکفیری و داعشی تبدیل خواهد شد. نیروهای امنیتی روسیه در دو مرحله عملیات امنیتی تعدادی از سران فعال سلفی و جنگجویان آن‌ها در منطقه قفقاز را شناسایی کردند که به دستگیری سلطان‌اف رهبر یکی از گروه‌های افراطی در منطقه قفقاز منجر شد. بر این اساس می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که با سپری شدن دوران التهاب در بحران سوریه، به‌نظر می‌رسد می‌توان در حالت متعادل، چرایی مداخله روسیه و دستاوردهای آن از همکاری امنیتی میان ایران و روسیه را بررسی کرد. ارائه مدلی از همکاری امنیتی روسی ایرانی برای تأثیرگذاری بر تحولات منطقه، روش مناسبی برای کنترل ثبات امنیتی و جلوگیری از حضور دیگر دولت‌ها در منطقه خواهد بود.

کلیدواژه‌ها:

امنیت و ثبات منطقه‌ای - جمهوری اسلامی ایران - فدراسیون روسیه - گروه‌های تکفیری و جهادی

روابط ارمنستان و ایران به عنوان عامل ثبات و امنیت در منطقه قفقاز جنوبی: الگوی گفت و گوی مسیحیت و اسلام

آهارون وارطانیان^۱

روابط ارمنستان و ایران بعد از استقلال ارمنستان همیشه در سطح بالایی قرار داشته است. مرز ارمنستان و جمهوری اسلامی ایران که مرز ۱۰۰ کیلومتری جمهوری آرتساخ نیز جزء آن محسوب می‌شود، نمونه بارز روابط بی‌فراز و فرود ایران و ارمنستان است. امنیت و ثبات مرز مشترک ارمنستان و جمهوری آرتساخ با ایران نه تنها برای ارمنستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بلکه برای ایران نیز اهمیت راهبردی دارد؛ چرا که در حال حاضر یکی از امن‌ترین و بی‌خطرترین مرزهای این کشور است. روابط راهبردی ارمنستان و ایران یک بُعد اقتصادی فرامنطقه‌ای نیز دارد، چرا که ارمنستان تنها همسایه ایران است که هم عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌باشد و هم موافقت‌نامه همکاری با اتحادیه اروپا را دارد و می‌تواند به پل ارتباطی ایران با این دو نهاد بین‌المللی تبدیل شود. برای توسعه مناسبات اقتصادی راهبردی دو کشور دالان خلیج فارس - دریای سیاه اهمیت راهبردی دارد و بارها مورد تأکید مقام‌های عالی‌رتبه این دو کشور بوده است. جالب توجه است که ارمنستان تنها همسایه مسیحی جمهوری اسلامی ایران است و در حال حاضر وقتی که در بیشتر نقاط جهان به ویژه در خاورمیانه و حتی در قفقاز جنوبی تبلیغاتی مبنی بر غیرممکن بودن همزیستی مسیحیت و اسلام در حال گسترش است. دو کشور ارمنستان و ایران براساس مناسبات دیرینه تاریخی و فرهنگی و با تلاش دوجانبه توانسته‌اند روابط برادرانه و راهبردی برقرار کنند که می‌تواند الگوی مناسب برای کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای باشد.

کلید واژه:

ارمنستان - اسلام - ایران - مسیحیت - قفقاز جنوبی

free of charge at the “15 Khordad” hospital in Tehran. Iran’s “Hilali Ahmar” society had 5 refugee camps in the Republic of Azerbaijan. Iran has also provided humanitarian assistance to Nakhchivan, living under blockade as a result of Armenian aggression.

The Iranian scientific literature and the press contain factual and non-factual articles about the events in Nagorno-Karabakh. The relations of the Islamic Republic of Iran with Armenia in the political, economic, cultural and humanitarian spheres have caused inconvenience in the Azerbaijani society.

Keywords:

Armenia, Azerbaijan Republic, Caucasus, Iran, Nagorno-Karabakh

Iran's Position on the Armenian-Azerbaijani Nagorno-Karabakh Conflict

Subhan Alakbar Talibli ¹

All historical documents prove that Nagorno-Karabakh was the territory of Azerbaijan. The settlement of Armenians in the South Caucasus, including the Nagorno-Karabakh region, began in the early 19th century in accordance with the Russian strategic plan. As for the IRI's official position on the Nagorno-Karabakh conflict, Iran opposes changing borders in the region and condemns the aggression of Armenia and Tehran supports the political settlement of the Nagorno-Karabakh conflict.

Iran has carried out some mediation mission since early 1992 to solve the Nagorno-Karabakh problem and has begun to work in this direction. In February 1992, Iran's Foreign Minister Ali Akbar Velayati visited the Republic of Azerbaijan and Armenia to study the possibility of creating a mediation environment for the settlement of the Nagorno-Karabakh conflict, as well as expanding the ties between the two countries. However, despite all efforts, Iran's mediation mission failed to find a solution to the Nagorno-Karabakh conflict. First, the Armenian side never took Iran's mediation seriously; second, Iran's growing influence in the Caucasus could have resulted in the loss of US and Russian positions in the area.

Iran provided humanitarian aid to Azerbaijani refugees who were expelled from their homes and displaced as a result of Armenian aggression. 138 Azerbaijani officers and soldiers wounded in the Karabakh conflict in 1992-1994 were treated

1. Institute of Oriental Studies of ANAS, Dr. Assoc., Subhan Alakbar Talibli

subhantalibli@gmail.com

Iran's Policy in the South Caucasus

Benyamin Poghosyan ¹

Iran is one of the key geopolitical actors of the Middle East. Despite the current “diplomatic isolation and maximum economic pressure” campaign launched by the US President Trump Administration, Iran retains its capabilities of making serious impact on regional geopolitics. It exerts political and economic influence in Iraq, Syria, Lebanon and Yemen and has a vast toolbox of asymmetric methods of political, economic and military struggle.

The South Caucasus is the integral part of the Iran's neighborhood and plays significant role in Tehran's geostrategic calculations. Definitely, South Caucasus is not as vital region for Iran as the Middle East, but from Iranian perspective, it is part of common Iranian civilizational area.

However, given Iran's current geopolitical and geo-economic difficulties, Tehran has no resources to increase its influence in the South Caucasus. As for now, the key priority for Iran is to prevent the use of the South Caucasus as the launch pad for Anti-Iranian activities and protect the current level of its involvement and influence.

Keywords:

Armenia, geopolitical actors, Iran, neighborhood, South Caucasus

1. PhD. Chairman, Center for Political and Economic Strategic Studies, Armenia

Does Russia Have Soft Power in the South Caucasus?

Ghia Nodia ¹

There exist many conflicting assessments related both to assessing the strength of Russia's soft power and to what should qualify as such. One should clarify the concept first and only after that try to assess how much Russia's influence in other countries – in this case, the countries of the South Caucasus – can be linked to its soft power.

The concept of soft power, in its original rendition by Joseph Nye, is rooted in the attractiveness of a country's political and developmental model. This, on the one hand, enables it to act through persuasion rather than coercion and pressure and, on the other, prompts its counterparts to emulate its models and seek its support even if the country doesn't deliberately try to project its power. In this understanding, Russia is notable for a systemic deficit of soft power as it can offer little in the way of political and developmental models. While the path of autocratic development that it represents may be attractive to some regimes, other countries such as China that offer much more successful versions of this combination.

Russia tries to compensate for this weakness by active methods such as disinformation or support for different pro-Russian (or anti-western) groups. Such activities are sometimes mistakenly described as an expression of "soft power".

However, there exist genuine instances of Russian soft power in its neighborhood – like nostalgia for the Soviet past, the legacy of Russian language and culture, or common religion (in case of Georgia). However, these powers tend to be on the decline.

Keywords:

Georgia, Joseph Nye, Russia, soft power, South Caucasus

1. Director of the International School of Caucasus Studies at the Ilia State University.

of Iran as the basis for the creation of this complex and also analyzes other actors of the security complex in terms of linguistic, ethnic, cultural, political, security, economic and cultural similarities. And the study takes in account these countries' relationships and their common interests from other dimensions, and goes to prove the hypothesis of this study based on qualitative research methodology.

Keywords:

regional security complex, South Caucasus, shared interest, identity, shared threats

Iran and South Caucasus Security Complex

Amir Hooshang Mirkooshesh ¹

Mohammad Zandi Ziarani ²

Patterns of friendship and hostility, interdependence, cultural and ethnic rapprochement and the economy are the main determinants of the regional security complex formation in this region. Iran and the South Caucasus countries, including Georgia, Azerbaijan and Armenia, by having more of these determinants and economic advantages, have the potentiality to form such a security complex. The Regional Security Complex is based on the theoretical foundations of the Copenhagen School, which considers security beyond the traditional power-based and military-based perspective and has expanded security into five dimensions: military, political, economic, social, and environmental dimensions. Because of their relatively common historical, geographical and cultural background or destiny, Countries of the region are able to form jointly the South Caucasus security complex. With its geopolitical location and economic, political and cultural advantages, Iran can be recognized as the core of this complex and provide the necessary platform for its formation. This study examines Iran's and the South Caucasus Security Complex from the aforementioned theoretical framework using the abovementioned determinants and dimensions, and analyses the possibility of the formation of Iran and the South Caucasus Security Complex according to Barry Buzan's regional security complex theory? To answer this question and to prove the research hypothesis, this study analyzes the common interests and intentions

1. PhD in international relations and faculty member of Islamic Azad University of Iran, Semnan, Shahrood Branch

2. PhD candidate in International Relations, Islamic Azad University of Semnan, Shahrood Branch

“Armed Conflict between Georgia and Russia” Case Studies of ‘Peace Process in Abkhazian-Ossetian Ethnopolitical Conflict’

Hamed Kazemzadeh ¹

The post-conflict peacebuilding between two major ethnicities - Abkhazians and Ossetians - with central authority of Georgia has a long history that dates back to the beginning of the 20th century. This research tries to address the dynamic of frozen conflict and an unstable ceasefire in Georgia, from the early 1990s when the conflicts erupted, till early 2019. The central claim of the research is that despite the long peace process, at first, mediated and arranged by the United Nations (UN) and Russia, and then negotiated and mediated since 2008 by the European Union (EU) and Organization for Security and Co-operation in Europe (OSCE), has not brought about any serious progress towards a peace settlement. Hence, a frozen hostility and potential conflict zone in the Caucasus still persists.

The main aim of the research is to give a more up-to-date understanding of the Abkhazian, and South Ossetian conflicts which is called the ethnoterritorial-ethnopolitical conflict in Post-Soviet era and to explore how it plays in and influences the peace process. To explain the relatively stable frozen nature of the conflicts, the research focuses on the role of the protector state and the EU as the main mediator. By analyzing the process of peace settlements and particularly the errors made by international organizations and other external players, this research aims to then recommend new potential peace approaches to the conflict in this area.

Keywords:

Abkhazia, ethnopolitical conflict, Georgia, Ossetia, Russia

1. Director of Academic Club for Peace–Conflict Studies, UOttawa (academicpeace.ca)

Email: hkaze065@uottawa.ca

European Union Security Position against Terrorism in South Caucasus; History & Dimensions

Hassan Ghadiri ¹

Armin Amini ²

South Caucasus area as the security contour of Asia and Europe and as the strategic aspiration lifeline of Russia Federation has a very special importance for Russia and other trans-regional players. EU, which follows a competitive-cooperative policy toward Russia, as an efficient player in international system acts as an important figure in South Caucasus.

Although EU role seems less efficient due to presence of Russia and United States of America, the fact is that EU because of adjacent borders with south Caucasus countries feels plentiful concern in respect to some categories like terrorism, asymmetric threats, and religious extremism.

Security distress related to immigrants' rush and also the entrance of terrorists who are against Europe ideal norms can be considered as a significant challenge for EU security. Following some terrorist attacks in EU countries plus Arabian Middle East, south Caucasus district turns to a potential challenging area for EU safety. Hence, EU's security-defensive policies role and quality considering the presence of Russia and United States of America deserves further study.

The question which is proposed in this paper is that which components form the EU security position in its declared policy against terrorism in south Caucasus besides this policy's history and dimensions.

Keywords:

asymmetric threats, religious extremism, Russia, Territorial Security, terrorism, strategic balance

1. Hassan Ghadiri PhD Student of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University of Karaj

Email: farshidghadiri@gmail.com

2. Armin Amini Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University of Kara

rity in the South Caucasus to counter the presence of regional and trans-regional powers, including the United States and NATO, the monopoly of European energy and the fight against terrorist groups. It also demonstrated the need for broader security guarantees for a region that is vital to European and global energy security. This article deals with the conflicts in the South Caucasus region, Russia's security strategy for this important region, and its implications for regional security.

Keywords:

South Caucasus, regional security, Russia, Nagorno, Karabakh, conflict, Regional power trans, regional powers

Russia's Approach and Strategy Towards the Security of the South Caucasus Region

Aref Bijan ¹

Since the collapse of the Soviet Union, the Caspian Sea and South Caucasus has become the focus of considerable international attention, primary because it is one of the oldest and potentially richest oil and gas producing areas in the world. The August 2008 Russian invasion of the Georgia and the unilateral recognition of the independence of Abkhazia and South Ossetia fundamentally changed the situation in the region. The war has created a new strategic situation. The South Caucasus is a boiling pot of various faiths, ethnicities, historical memories and political orientations, has traditionally been subject to strong, often overwhelming external pressures. The South Caucasus continues to be a conflict-ridden part of Russia's neighbourhood, the biggest risk of war being a renewed and expanded war between Armenia and Azerbaijan over Nagorno-Karabakh. Of the three regional external powers –Russia, Turkey and Iran –only Russia has military bases in the South Caucasus region and is the only one seemingly ready to act militarily. Russia currently appears satisfied with the status quo in the South Caucasus. The growing convergence of interests of the three external regional powers on Syria and the Middle East affects the South Caucasus as well. For all three, the Middle East is more important in the short run, which means that they are all interested in keeping the South Caucasus as stable and predictable as possible. The question is, what is Russia's approach and strategy towards the security of the South Caucasus? Moscow's approach to the South Caucasus in the security sphere also includes using local conflicts to keep the states concerned in a constant state of Russia-controlled instability. All this illustrates how Russia operationalizes nsa sphere of interest in the Caucasus. The region is seen as Russia's backyard and seeks to maintain secu-

1. PhD student in political science and area studies, Department of Political Science, Saint Petersburg State University, Saint Petersburg, Russia

Email: Aref.bijan@gmail.com

Prospects and Challenges of Russian – Iranian Cooperation in the South Caucasus

Gevorg Avetikyan ¹

The current stage of Russian-Iranian relations is to some extent unique, which, in recent years, has been characterized at times as strategic partnership or even alliance. The Syrian crisis revealed a number of commonalities in the positions of Russia and Iran regarding regional problems. In a sense, the situation in the South Caucasus is also unprecedented. Two years after the Velvet Revolution in Armenia, it is yet to be seen whether and how drastic changes in Armenia's internal affairs will influence its foreign policy. More than a quarter of a century after the collapse of the Soviet Union, Georgia, Azerbaijan and Armenia have been building their foreign policy priorities in different directions. This also applies to their relations with immediate neighbors in the region. In particular, Armenia and Azerbaijan, which are in a permanent military confrontation, look back at the possibilities of multilateral cooperation with Iran and Russia, based on the considerations of a zero-sum game, where any regional cooperation project with more influential neighbors should exclude the involvement of the adversary. The current circumstances to some extent impede the development of a full-fledged Russian-Iranian dialogue in the South Caucasus, forcing both Russia and Iran to focus on individual projects in the areas of security, trade, energy and infrastructure development, often competing with each other. In this situation, any regional formats of multilateral cooperation exclude the simultaneous participation of Armenia and Azerbaijan. This makes it necessary to consider the relations between Russia, Iran, and the countries of the South Caucasus, most often individually as opposed to a more regionalist approach.

Keywords:

Armenia, Azerbaijan Republic, Iran, Russia, South Caucasus.

1. Gevorg Avetikyan, PhD History, is the Dean of International Programs at European University at St. Petersburg, Russia

nis already have some experience from the past mistakes and they won't make it again(as it seems, finally we learn something from our 28 years history of independence).

In additional, there is another factor which interrupts peacebuilding process in the Caucasus region. All South Caucasian country has different foreign policy. For instance, Georgia in pro-Western, Armenia still maintains status of a stable partner of Russia and Azerbaijan declares itself as a non-aligned state.

Until nowadays situation in the Caucasus region is still steadily heavy and there is no any hope of resolving of conflicts in the nearest future. However, still we, people of Caucasia, at least can try to conduct open dialog, use unconventional channels of public diplomacy and make certain accents on peace instead of war. Georgia's vision of "security and stability in the Caucasus" is peaceful region without military conflicts, with more democracy and solid partnership between countries.

Keywords:

Caucasus, Conflict, Georgia, Peace, security

“Peace and Security in the South Caucasus”**“A Georgia Viewpoint on Security and Stability in the Caucasus, with Emphasis on Georgia”**

Mamuka Areshidze ¹

The Caucasus region with regards its territorial size cannot be considered as a huge region, but still it is one of the most important geopolitical points on the Eurasian continent. The Caucasus is the crossroad of civilization. There convene several cultures, religions and political actors. Among those actors one is Georgia, which is one of the oldest political centers of the region. Since very ancient times Georgia's regional interest – “Peaceful Caucasus” remains unchanged, we only change the ways and instruments in achieving our goal.

Nowadays, a Georgian vision about “stable and secure Caucasus” consists of two main aspects. The first, to reinforce ties and cooperation with the West and the second, immediate resolve of all regional conflicts which equally inflict damages to all South Caucasian states. Roughly about last 30 years, the Caucasus region suffers from military conflicts – Georgian-Russian conflict in Abkhazian region and so-called South Ossetia, Nagorno Karabakh Conflict between Armenia and Azerbaijan. The South Caucasus permanently experiences tremendous pressure from expected military conflicts. Every time, when somewhere appears minimal positive tendencies in the resolving conflicts, in that very moment starts another battle and still everything goes back again. Behind those processes stand certain political groups and states who don't wish peaceful and united Caucasus. There is no doubt, that territorial dispute about Davit Gareji monastery between Georgia and Azerbaijan is triggered by the third actor. Fortunately, both Georgians and Azerbaijani

1. Mamuka Areshidze Director of Regional (Caucasian) Research and learning center at Georgian state Technical University

Contents

- “Peace and Security in the South Caucasus” “A Georgia Viewpoint on Security and Stability in the Caucasus, with Emphasis on Georgia” : Prof Mamuka Areshidze	1
- Prospects and Challenges of Russian – Iranian Co-operation in the South Caucasus : Prof Gevorg Avetikyan	3
- Russia's Approach and Strategy towards the Security of the South Caucasus Region :Aref Bijan.....	4
- European Union Security Position against Terrorism in South Caucasus; History & Dimensions : Hassan Ghadiri, Dr Armin Amini	6
- “Armed Conflict between Georgia and Russia” Case Studies of ‘Peace Process in Abkhazian-Ossetian Ethnopolitical Conflict’: (Dr Hamed Kazemzadeh	7
- Iran and South Caucasus Security Complex : Amir Hooshang Mirkooshesh, Mohammad Zandi Ziarani	8
- Does Russia Have Soft Power in the South Caucasus? : Prof Ghia Nodia	10
- Iran’s Policy in the South Caucasus: Prof Benyamin Poghosyan	11
- Iran’s Position on the Armenian-Azerbaijani Nagorno-Karabakh Conflict : Prof Subhan Alakbar Talibli.....	12

Editores

Dr. Elaheh Koolae

Professor of Regional Studies, University of Tehran

Dr. Farhad Atai

Professor of International Relations, University of Tehran

Dr. Shiva Alizadeh

Assistant Professor of Regional Studies, University of Tehran

- **Conference Chair:** Prof. Elaheh Koolae
- **Conference Secretary:** Prof. Farhad Atai
- **Conference Executive Secretary:** Dr. Shiva Alizadeh
- **Coordinator:** Jafar Khashe, Ph.D. Student of Regional Studies, University of Tehran; Peiman Kavianifar
Researcher at Central Eurasian Studies Center

Scientific Committee

- Dr. Bahram Amirahmadian, University of Tehran
- Professor Gillie Alasania, University of Georgia
- Dr. Shiva Alizadeh, University of Tehran
- Professor Garnik Asatrian, slavonic university yerevan
- Professor Farhad Atai, University of Tehran
- Professor Alexander chulukhadze, University of Georgia
- Dr. Jafar Haghpahan, Iranian Association for Regional Studies
- Dr. Alexander iskandaryan, Caucasus Studies Center of Armenia
- Dr. Jahangir Karami, University of Tehran
- Professor Elaheh Koolae, University of Tehran
- Dr. Homeyra Moshirzadeh, University of Tehran
- Dr. Amir Hooshang Mirkooshesh, Iranian Association for Peace Studies
- Dr. Ali Sabaghian, University of Tehran
- Dr. Mandana Tishehyar, Allameh Tabatabaei University
- Dr. Akbar Valizadeh, University of Tehran

Abstracts of International Conference on

Peace and Security in the South Caucasus

Dr. Elaheh Koolae

Dr. Farhad Atai

Dr. Shiva Alizadeh

Center for Central Eurasia Studies – University of Tehran
February 2020

